



خرداد ماه ۶۳ شماره ۱۳ به شماره ۵۰ ریال

تشریح‌هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)

اتحاد کارگران مدار در مقابله با اخراج

رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی برای فرا ر از بحران فلاکت با موجود و سعی نا در به هر نحوی کفشد پیش از زبش با ر این بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دهد (چنانکه داده است). در کارخانه‌ها و مراکز نیز مدیریت سعی در بدبختی هر چه بیشتر و با استثمای بی رحمانه تر کارگران سیاستهای سرمایه‌داری بحران زنده‌ها بران را به اجرا درآورد. در سال گذشته مدیریت با استفاده از تمامی ترفندها که بین کارگران برای افزایش مرخصی‌ها لانه وجود داشت، با توسل به فریب و تهدید، با بستن

پتیه در صفحه ۵

یادشهادی ۲۰ خرداد گرامی باد

۲۰ خرداد در جنبش ایران، اوج اعتلای آگاهی انقلابی بود - در این روز در اقصی نقاط ایران، توده‌ها به خیابانها ریخته و شعارها بود با حزب جماعتیستان را سر دادند در این راستا کارگران تهران و مبارز ناحیه نیز با حرکت خود لیزه براندام رژیم فکها انداختند. ما در این مقاله لازم میبینیم که این روز را به عنوان نقطه عطفی در جنبش ایران مورد ارزیابی قرار داده و کاستیهای آنرا ذکر کنیم. اما قبل از بررسی این روز، لازم است خلاصه‌ای از وضعیت ایران قبل از ۲۰ خرداد گفته شود. قیام ۲۲ بهمن نتیجه بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی بود که تا رو بود میهنمان را فرا گرفته بود. این بحران احتیاج به عمل جراحی داشت و عمل جراحی امکان پذیر نبود مگر از جمله نب توده‌ها. روحانیت از آنجا نیکه در ایران دارای تفکلهای سنتی - مذهبی همچون مساجد و حوزه علمیه و ... بوده توانست سکان انقلاب را در دست گیرد. اما خود به تنهایی نمیتوانست کارها را پیش ببرد. پس احتیاج به نیرو و هائی داشت و روحانیت بخاطر اینکه این

پتیه در صفحه ۱

شروش زحمتکشان قزوین علیه فلاکت افسار گسیخته

بعد از ۲۰ خرداد ۶۰ ما شاهد یک دوره افت در مبارزات کارگران و زحمتکشان بودیم. ما مسل هنوز مدتی از آن نگذشته بود که دوباره جنبش توده‌ای (اینبار در شکل جدید) فضای سیاسی میهن ما را از غلر دل انگیز خود پر نمود. بیشتر از اینمقاومت‌شده‌ای پرولتاریا بود که در عرصه کارخانجات حول خواسته‌های مناسسی اقتصادی خود به نبردی بی امان با رژیم حامی نظم سرمایه و میگرداخت. مدت‌ها طبقه کارگر

پتیه در صفحه ۲

در این شماره:

- نصیر میهن‌نیرد ... صفحه ۸
- اعتصاب در سناب ... صفحه ۶
- اخبار مبارزات کارگران و ... صفحه ۱۱
- اخبار مرفره ... صفحه ۹
- شعر ... صفحه ۲۲
- کنکهای دریاسی ... صفحه ۲۱

آزادی استقلال حکومت شورائی

نیروها را جذب کند با عارضه با هم نیروهای مخالف سلطنت را دور بر خود جمع نمود و یک ائتلاف همگانی علیه سلطنت را سازمان داد. البته این ائتلاف برای سرنگونی بود، نه شریک بودن در حکومت. و هدف این بود که بعد از به قدرت رسیدن آنها رایج ترتیب کفار بزنند به غیر از این عوامل نیروهای که پیشبانی فعلی از روحانیت نمودند، نیروهای حاشیه تولید بودند. این ائتلاف رقیله انقلاب را روشن کردند و همانا اینها بودند که توانستند بعنوان قلعه کوب انقلاب، وارد کار سلطنت گردند. اما ضعف این نیروها همانا بی هویتی، بی جایگامی آنان است. این نیروها کمانسی بودند که نتوانستند جذب تولید کارگردند، بنا بر این به کارهای غیرتولیدی حاشیه ای می پرداختند. این ائتلاف بدلیل گنجه تاریک و از آنجا نیکه بیونهای با روحانیت داشت، از روحانیت دفاع می کرد. البته روحانیت قبل از اینکه نماینده آینده نگری این ائتلاف باشد نماینده گنجه گری آنها بود. بعد از قیام روحانیت با لیبرالهای معضبی ائتلاف نمسود (البته قبل از قیام نیز در ائتلاف با هم قرار داشتند). هدف روحانیت از ائتلاف فوق ایمن بود که بتوانند در کنار سازماندهی بوروکراسی گنجه و ارتز، فرصتی برای سازماندهی نهادهای خودیست آورد. در واقع تجربه ای برای حکومت کردن نداشت و این مانور فرصت خوبی برای سر و سامان دادن به کارها برایش بوجود می آورد. البته قدرت سیاسی و کلیدی را درست خود نگه داشته بود و درست لیبرالها چاقوی بی تیغه ای پیش نبود. کما اینکه با زرگان این جمله را تکرار می کرد. در این دوره که لیبرالها در حکومت شرکت داشتند نهادهای رژیم نیز سروسامانی می یافتند و این نهادهای بهتندت ایران را مورد تکراری خود قرار میدادند. حمله به کتاب فروشها حمله به بیگاران و زنان و ۱۰۰۰۰ از اعمال جنایتکارانه این نهادها بود. از طرف دیگر سانسور، عدم آزادی قلم و بیان باعث می شد، خواسته دمکراسی در توده ها، در اولویت قرار گیرد. توده ها در هر مکان و بی برزنی که بودند به دفاع از دمکراسی می پرداختند اما این دمکراسی

طلبی توده ها هنوز کل حاکمیت را زیر سؤال نبرده بود. سازمان فدائیان در این رابطه با دفاع از دست آوردهای قیام و دمکراسی، به بزرگترین قطب درجا معتمد تبدیل گردید. درینا لاینز لیبرالها سعی زیادی در جلوگیری از شکل گیری نهادها داشتند. وضعیت فوق فقها را از دوسوم مورد حمله قرار داده بود، یکطرف با اینها که مسئله دمکراسی را در صندخواستهای خود قرار داده بودند، طرف دیگر با لاینها چون با زرگان از داخلتها بیجا و نیوان آزادی برای کار (یعنان آزادی بی برای باز سازی نظام سرمایه داری محبت می کردند. ایمن اولین بحران رژیم بود که او را در منگنه قرار داده بود. رژیم برای رهایی از این بحران نه به فرم بلکه بقول خودش به "انقلاب" احتیاج داشت تا هم بتواند تداوم را از سرکوب کند و هم با بین را بنابر این مسئله سفارت را پیش کشید و نا میدن "انقلاب" روی آن توانست بحران را مهار کند. لیبرالها که نقطه ضعفشان همین جا بود، خود را در تنگنا دیدند و روحانیت نیز با جاسوس نامیدن آنان، آنها را منزوی نمود. سازمان فدائیان که در پوهولید سم غلت میزد و قبل از سفارت نیز تردیدهای در مورد حکومت مطلق داشت، با این عمل روحانیت تردیدش در هم شکست و حکومت را موقوفی دیدند و به دفاع جابلسا نه از آن پرداختند. روحانیت با اینکه در خود میانه طبقاتی را به کجراه هدایت کرد. زمانیکه توده ها می یافتند که که خمینی را کم کم زیر سؤال ببرند، عرصه مبارزه از دمکراسی به استقلال راه یافت. اما روحانیت هر چند توانسته بودند یک دور موقت اینکار را سازماندهی کرده و مبارزه را به کجراه هدایت کند، اما دمکراسی طلبی توده ها هنوز فرو نرفته بود. روحانیت در کنار چنین کاری نهادهای خدا نقاب خود را سریعتر سازمان میداد چرا که بهترین موقع برای سازماندهی اینکارها بود. سبب او کمهت با سازماندهی بالایی شروع بکار کردند همچنین توانست نیروی حاشیه تولید را که با زوی همزبونیک او بود، در نهادهای خدا نقاب سازمان دهد. این نهادها نسبت به گنجه قهر خود را نسبت به نیروهای انقلابی و توده ها تسریع کرده بودند. بعد از خاموش شدن مسئله سفارت، مسئله جنگ



توجه به پیوندهای نویدیکی که با حزب داشت هرگز اجازة نمیداد که کسی بدینگونه با حزب درافتد. بنا براین برای عزل بنی‌صدر داد. مجاهدین با خواهش و منت میخواستند او را درین لاکه‌ها راند تا بتوانند زلفان با او بیاورند و خود را در حکومت سپردند. مسلماً بعد از عزل بنی‌صدر مجاهدین دیگر نمیتوانستند زمانه کسی در حکومت با لاروند چون جناح دیگر را ارتجاعی رزیا بی میگردند. از طرف دیگر توده‌ها با مشاهده نتایج ارتجاعی و عدم مردمی‌سپاسی رژیم که جز وعده و وعده‌کاری انجام نمیداد ما اعتراضات خود را در خیابانها به معترضانه‌ی گداختند. در این دور نیز روحانیت از دولتیان فمورحله قرار داشت. البته از جانب توده‌ها در این زمان بنی‌صدر بشرا بطجدید ما نند دور قبل البته با صراحت و ویژگی جدید خواست توده‌ها حول دمکراسی جریان داشت اما این اعتلا که در ۳۰ خرداد دهان و ج خورد رسیده بود و ویژگی داشت که بنا بر آن غفلت کرد. اما اکثریت توده‌ها هنوز با هم نبودند. ۲- کل حاکمیت مور به جرم قرار داشت. در واقع بخشی از توده‌ها در زمان ندهی روحانیت قرار داشتند و بخش دیگر در مقابل بنی‌صدر قرار داشتند. این میان توده‌ها بصورت یک مجموعه واحد نبودند بلکه بخشی از توده‌ها میخواستند بنی‌صدر را کنار بزنند و بخش دیگر که اکثریت داشتند خواستار سرنگونی خمینی بودند. خلاصه کنیم، بخشی از توده‌ها عملاً علیه بخشی دیگر قرار می‌گرفتند تا هر کدام بخشی از حکومت را برانند. زمانه روحانیت با توجه به سهام زمانه ندهی نیروهای خود را مکنات دولتی از نیروی هم‌مونیکی بر بخشها از توده‌ها می‌توانستند و آگاهی توده‌ها که بصورت یک مجموعه واحد نبودند، سود میبرد و اینها نقاط قوت و بود در حالیکه طرف دیگر بی‌توان، ضعیف و ضربه‌پذیر بود. مجاهدین بدون توجه به اینها را متراست به عمل کوری زده که موجب تقویت روحانیت گردید. مجاهدین بعد از آنکه نتوانستند با تکیه بر بی‌ایق قدرت دست یا بند، در این دور مبارزه مسلحانه جدا از توده‌ها را بکار بردند. هوایلین عمل خود را بت نمودند که به توده‌ها اعتقاد نداشتند و البته چنین عملی جز رفتن به ته‌جا و ویل چیز دیگری نبود. مجاهدین اگر به توده‌ها اعتقاد داشتند و به آنها تکیه مینمودند میبایست

ایران و عراق پیش آمد و این شرایط بود که روحانیت میتوانست تا کنده خود را روی استقلال دل دوجندان کند. و بریک مقطع کوتاه نیز با این موفقیت حاصل شد. اما نهادهای رژیم و سانسور در این رابطه بود. در این مقطع یعنی از نیمه‌های سال ۵۹ می‌بینیم یکبار دیگر عرصه مبارزه تغییر می‌یابد و دمکراسی طلبی توده‌ها باز خود را در عرصه‌ها نشان میدهد. شعار آزادی به شعار محوری مبارزه تبدیل میگردد و این انتقال بدور جدیدی بود که با پیدایش اعتلا آگاهی انقلابی نامید، درگیری بین بنی‌صدر و حزب پیش از پیش حاصل میشود. بنی‌صدر با حمله به خفقان و سانسور و یک حزب ایجاد کرده بود، تا که در زمانه بی‌بروری نظم امنیت و آزادی داشت. در حالیکه و آزادی را برای بازسازی نظام طلب میکرد. خلق کرستان ارمغان بنی‌صدر را دید. دانشجویان هدایای فاجعه‌ناک را نگاه را فراموش نکرده‌اند. چگونه میشود انسان آزادی‌گش با عدولت آزادی دفاع کند. بنی‌صدر به دلیل وضع بحرانی خود در برابر دفاع از آزادی میبرد. او آزادی را برای زحمتکشان نمیخواست (و نمی‌خواهد) و آزادی را برای سرمایه‌ی میخواست. در این زمانه با زمان مجاهدین و وسیعترین تبلیغات و فشاری را بر علیه ارتجاع سازمان داد و با اینکار خود به بزرگترین نیروی ابوزیمون تبدیل شد. اما مجاهدین نتوانستند توده‌ها را در این حوزه سازماندهی کنند و بدلیل گرایش اصلاح طلبی که با خود یکدک میکشیدند، به دفاع از بنی‌صدر پرداختند. مجاهدین در دور گذشته به‌اطرا اینکه بقدرت می‌ندیدند، سعی داشتند از طناب خمینی با لاروند و خواستار سازش با او بودند. خمینی را سازش را با آنان بسته بود و مجاهدین چون دیدند این راه مکنان پذیرفتنی نیست در دور دوم خواستند از خانه بنی‌صدر با لاروند و همین موضع بود که آنها را به دفاع از بنی‌صدر و از آنکه به توده‌های انقلابی تکیه کنند و آنان را علیه حکومت سازمان دهند دست‌گذاشتی بطرف لاروند نمودند تا فرجی حاصل شود. البته مجاهدین در اختلاف اولیه با بنی‌صدر در نظر نداشتند که خمینی را سرنگون کنند، چرا که به حمایت و احتیاج داشتند تا حزب را کنار بزنند. اما خمینی با



توده‌ها را در عرصه یکاً ربطاً تنها زمان می‌داند. شکست خورده‌ها را با بدبین‌گونه بررسی نمود. ۱- چشم به بالا نشستن سازمان مجاهدین و رفرمیسم آنها که مانع اتحاد توده‌ها بود. ۲- بدون سازمان با توده‌های مخالف و یا لاقابل بیطرف کردن توده‌های متوجه عقب راندن آنها غیر ممکن بود چرا که کل بائینها مخالف با آنها بودند. اما ضعف این بود که یک مجموعه نبودند. ما با اتحاد این دو بخش میتوانستیم قطب بندی را درجا معصراحت بخشیده و آنرا به سمت یک موقعیت انقلابی هدایت کنیم. اما مجاهدین با کمزوری و رفرمیسم خود عدم درک و بزرگی اعتلا به خمینها اجازه دادند تا با ردیگر خود را از بحران خطرناکی که برایشان می‌ریخت برسی نداشتند. باید به تحلیل حرکت کارگران شهر صنعتی پرداخت.

در این روز حرکت خود بخودی از جانب کارگران صورت پذیرفت و تبدیل به یک تظاهرات اعتراضی علیه حزب گردیده. صبح آن روز ولولوسه عجیبی بر کارخانجات حکم فرما بود. کارگران در سالنهای غذا خوری و در قسمت‌های خود بسا هم به شور و مشورت می‌پرداختند و هر کس در نظری می‌داند اما این نظرات پراکنده بود. نمیدانستند چگونه شروع کنند. در این میان با توجه به بحرانی بودن محیط کارخانه‌ها، مدیریت و انجمن اسلامی از قبل به سپاه اطلاع داده و سپاه نیز منطقه را قرق کرده بود. اما کارگران منتظر شرایط مناسب بودند تا شروع کنند. حرکت از کفترسازی شروع شد.

حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر کارگران در جمعی فشرده بسوی فلکه شهر صنعتی در حرکت بودند. متعاقب این اقدام کارگران دیگر کارخانجات نیز بیرون آمدند و شعار حزب چپان بستان بیاید بره گورستان را سر می‌دادند. در این زمان راه‌ها - آهر خانی (رئیس سپاه شهر صنعتی) برای جلوگیری از حرکت کارگران بالای سکو راه تیره و شروع به سخن رانی می‌کنند. در این متن سخن رانی جزو عده و وعید چیز دیگری نبود. سپاه که نتوانسته بود حرکت را کنترل کند، شروع

به تیراندازی نموده درایت رابطه عده‌ای از کارگران درخون غلطیدند. این عمل وحشیانه سپاه باعث گردید که کارگران به باسداران هجوم آورند. در اولین برخورد طاهر خانی وعده ای از باسداران را مجروح کردند. از آنجا بیکه حرکت خود بخودی بود کارگران بعد از حمله نمیدانستند چکاری باید صورت دهند صفوف تظاهرات کنندگان پراکنده می‌شد و کارگران در دسته‌های مختلف با هم مشورت میکردند و عده‌ای نیز شعار میدادند. کسی نمیدانست که در این مقطع چه باید بکنند. در چنین وضعیتی عده‌ای تصمیم می‌گیرند که به شیر بروند. کارگران دوباره دور هم جمع میشوند و شعار مرگ بر حزب و درویش پنهان را سر میدادند. شور و هیجان همواره فرا گرفته بود. ما این شور و اشتیاق همراهِ با شعور انقلابی و تشکل لازم نبود. کارگران نمیدانستند هدفی که برای رفتن به شهر دنبال میکنند چیست؟ شما رها حرکات مقلدی هر لحظه، شکل مبارزه را بدلیل درگیری فیزیکی با سپاه عوض میکردیم. که وضعیت موجود را وخیم دیدیم با توجه به امکانات خود ما میراها می‌منتی به شهر را بست و استحکام خود را در کنار ریل شهر صنعتی تقویت نمود. کارگران همینکه به بل شهر صنعتی رسیدند تیراندازی زمینی از طرف سپاه شروع شد. کارگران با ردیگر درخون غلطیدند صفوف تظاهرات کنندگان پراکنده شده‌ای به جنگلها و باغها پناهنده شدند و عده‌ای نیز برای خونسنگرهای دفاعی ساختند. عده‌ای نیز از طریق بیراهه‌ها و راه‌های پنهان دریا که رژیم اجازه نداد بود تا اخیراً ریمارزه کارگران در شهر انعکاس پیدا کند. این عده از کارگران که چنین وضعیت را نپسندیدند دوباره به شهر صنعتی برگشتند. سپاه با بستن راهها و حمله‌ها فلگیرا نه خودتوانست کارگران را به عقب نشینوار دارد. در این درگیری ۲۰ نفر از کارگران تهران و میان رز شهر صنعتی شهیدها مجروح گشتند. همچنین حدود ۴۰۰ نفر دستگیر می‌گردند. ۲۰ نفر از باسداران نیز کشته و ۱۰ نفر مجروح شدند. این حرکت چنان وحشیانه

بفید صفحه ۱۸

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات زندانیان سیاسی انقلابی بیاخیزیم!

بقیه اتحاد کارگران مدار ۰۰

قرار دادی ساعات کار را از ساعت ۲۸ ساعت در هفته رسانه و در عرض قول افزایش مرخصی لیا نه را میدهد. کارگران هر چند در آن زمان فریب خورده وزیر با این حیلہ مدیریت میروند اما مطرح میگردند که این عمل با بدعهدی زعیبیا یا نپذیرد و بوسا ره ساعات کار به ۴۴ ساعت تنزل یا بد مدیریت بسه دنبال این تمایل کارگران مقابله با قول داده بود بعد از مرخصی عیدہ ساعات کار را به ۴۴ ساعت تغییر دهد اما بعد از مرخصی عید مدیریت قول خود را ندیده میگردند و با بیشرمی تمام همان سیستم ۴۸ ساعت را به اجرا در آورند و برای آنکه پیشاپیش جلوی حرکت اعتراضی کارگران را بگیرد، سیستم چهار شیفتی را که فضا ریشتری را برودش کارگران میگذارد در کتا سیستم ۸ ساعت مطرح میکند. مدیریت سعی ساعت با قرار دادن بدو بدتر در مقابل کارگران آنها را ترسانده و بدامن بدیعنی ۴۸ ساعت بپا نند سازد. توطئه مدیریت به همین جا خلاصه نمی پذیرد و با همکاری نست نشاندگان خود در پابین علومای در دفاع از ۴۸ ساعت کار در مقابل سیستم چهار شیفته تهیه میکند. این علوما را در حدود ۴۰ نفر از کارگران امضا میکنند. کارگرنی بودند که بدلیل واهمه از سیستم چهار شیفته این علوما را امضا کرده بودند و حتی بعضیها از محتوی علوما را اطلاع نداشتند. به دنبال این توطئهها کارگران مدار که به همسراه سایریرا در آن خود برای ساعت کار مبنا رزه میکنند دیگر نمیتوانند این گستاخی مدیریت را تحمل کنند (سرمایه داران براهی حتی قوا نین مصوبه خویشان را نیز در جهت و خامت وضع کارگران زیر پا میگذاردند). متقابلا نست تهیه علومای در دفاع از حق قانونی خویش یعنی ۴۴ ساعت در هفته میزنند با آنکه این علوما ریلست همه کارگران نرسیده بود، ولیکن سرعت بتوسط ۱۲۰ نفر آنهم در کمالات آگاهی از مضمین آن امضا میشود. فردای آنروز تعدادی از کارگران علوما رفوق را بهمراه علوما ریشتری که قبلا در همین زمینه در قسمت سالن جدید که زهمیست گی ریشتری بر خود را بودند تصمیم میگیرند که روز پنجشنبه (۱۳/۱/۶۳) سرکارها خرف شوند که در میان کارگران یک شیفته سالن جدید بجزیک کارگران باقی سرکار نمایا بند ما بر قسمتها ی کارخانه در این حرکت شرکت نداشتند و بدین ترتیب یکی از شیفتهای سالن

جدید برضیت مدیریت قرار میگیرد. در روز شنبه ۱۳/۱/۶۳ مدیریت ۷ نفر از کارگران سالن جدید را به بهانه ناخلاق در تولید، تحریک کارگران و عدم حضور در روز پنجشنبه از کار اخراج میکند. از میان ۷ نفر اخراجی، ۴ کارگر در کارخانه حضور داشته که با این حکم مدیریت اعتراض میکنند. کارگر اخراجی به تمام قسمتها ی کارخانه رفتند و با نشان دادن برگه تصفیه حساب سایر کارگران را در جریا نمی گذارند کارگران سالن بر قسمتها ی کارخانه در این روز نسبت به اخراج هنگام کاران خویش برخورد منفعلی از خود نشان می دهند. مدیریت که اصرار کارگران اخراجی را می بیند به آنها میگوید که برای تصفیه حساب قلمی دوشنبه به کارخانه بپا بند. در روز ۱۳/۱/۶۳ مدیریت مطرح میکند که ۳ تن از کارگران اخراجی با گرفتن حکم اخلا رمیتوا نندسرا بر گردند و مطرح میکند که نفر چهارم با بد اخراج گردد همه کارگر اولی در این جا به حمایت از همکار خویش میگردند. با پسند همسرا که بر گردیم، یا اینکه ما با زکمت خود را نخواهیم پذیرفت. مدیریت که مقاومت کارگران اخراجی را می بیند، قضه را به سه شعبه موسول می نماید. روز شنبه کارگران شیفتهای دیگر سالن جدید بعد از اطلاع از وضعیت برادران خود همگی برای دفاع از آنها، صبح آنروز به کارخانه می آیند. هم چنین در این میان ززمه حمایت با بر قسمتها ی کارخانه از کارگران قصد دارند در دفاع از اخراجی چون نستگاها را بخوابانند. مدیریت و حفترده تمام سرپرستان را در اطلاع و جمع کرده و در راهبده سالن موضوع فوی به بحث میبرد. زند بدنبال این سن تبال نذر مدیریت سعی میکنند همچنان توطئه گذشته را ادامه دهند و مطرح میسازند که کارگران اخراجی میتوانند به سرکار بر گردند و با به می نمایند که کارگر چهارم خویش سرکار نمایا بند است و در عین حال به تکبیا تی دستور میدهد که او را رها نهند. حدود ساعت ۱۰/۵ صبح کارگران مطلع میشوند که کارگر اخراجی دم در کارخانه ایستاده و با اجازه داخل شدن نمی دهند. در این لحظه کارگران همه شیفتهای سالن جدید دسته جمعی به نزد مدیریت رفته و مطرح میکنند با بدکارگر اخراجی به سرکار بر گردند و با همگی ما را اخراج کنید. مدیریت که همبستگی و حمایت کارگران را از بسرا در



ب- نقاط ضعف: ۱- از آنجائیکه خواسته ۴۴ ساعت کار در هفته يك خواسته همگانی و قانونی نبوده کارگران نمیتوانستند با همبستگی خویشی براضی این خواست را تحمیل کنند. اما تنها در این میان سالن جدید پیگیری لازم را داشت. و چون مقابله با توطئه مدیریت اساساً در يك قدرت محدود بود و مدیریت جرات تمرین به خود نداد و نه تنها ۴۴ ساعت کار را نداد بلکه نسبت به اخراج کارگران نیز زده و بدین ترتیب مبارزه از محور ۴۴ ساعت کار در هفته به مبارزه برای بازگشت خراجیون منتقل شد.

۲- ما در تعیین نقاط قوت دیدیم که همبستگی شیفت‌های مختلف سالن جدید کارخانه از کارگران این قسمت آنچنان نیروئی دیدی آورد که مدیریت بناچار عقب نشینی نمود و حتی از کارگران اخراجی عذرخواهی نمودند در حالیکه این همبستگی را بین کارگران سالن جدید و کارگران سایر قسمت‌ها (که عموماً کارگران با سابقه هستند) شاهد هستیم در گذشته نیز مدیریت بر این نقطه ضعف انگشت می‌گذاشت و کل کارگران را تضعیف مینمود. کارگران آگاه باید قدم‌های جدی در این زمینه برداشته و پیوند عمیق تری را بین کارگران قدیمی و کارگران جدید برقرار سازند. منافع مشترک بلقیه کارگران ایران و نیز کل کارگران بیدار، سنگ بنای این وحدت و پیوند میباشد. گرفتن امضا* از کارگران قدیمی و گسترش زمره حمایت کارگران قدیمی از اخراجیون نقاط بسیار امیدبخشی هستند ولیکن کافی نیست.

۳- در مورد عدم حضور کارگران یکی از شیفت‌های سالن جدید که جدا از سایر بخش‌های کارخانه صورت گرفت نمیتواند چندان حرکت درستی با عده کارگران مبارز سالن جدید پس از استحکام بخش خویشی باید فعالانه ایده تحریم کار را در روز پنجشنبه به میان سایر قسمت‌ها و شیفت‌های کارخانه برده و ایده را همه گیر میکردند. حتی ممکن بود که این مسئله چند هفته طول بکشد ولی در عوض اگر حرکت دسته‌جمعی میشد قطعاً

اخراجی خود می‌بیند و عقب نشینی کرده و حتی عسکری از کارگران اخراجی عذرخواهی می‌کنند و در این میان لازم است که نقش انجمن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. انجمن اسلامی در این حرکت سعی داشت که در ظاهر خود را بی طرف جایزند. اما در عمل جانب مدیریت را می‌گرفت انجمن به نگرهبانی (به موازات مدیریت) گفته بود که یکی از کارگران اخراجی راراه نهد و نیز به کارگران اخراجی انتقاد میکرد که شما چرا به مدیریت توهین کرده‌اید باید از او عذرخواهی کنید (انگار که کور شده بودند و توهین مدیریت را به کارگران ندیده بودند) - البته کارگران اخراجی و سایر کارگران مبارز وقتی به چرندیات آنها ندادند.

آنچه که در بنا آمده تصویری بود از جگه زگی ماجرا اما نباید به همین حد بسنده کرد بلکه باید با تعمق نقاط مختلف حرکت را منحص نمود و بدرستی در آینده با انجام بیشتری در مقابل مدیریت ایستاد.

الف- نقاط قوت: ۱- عکس العمل سریع کارگران در مقابل توطئه‌ها و اومار کذایی مدیریت و تهیه اوماری بردفاع از حق قانونی ۴۴ ساعت کار در هفته از هوشیاری کارگران خبری نهد ۲- همبستگی شیفت‌های مختلف سالن جدید به آوری که تمام شیفت‌ها یکجا در کارخانه حضور پیدا می‌کنند.

۳- باینداری و همبستگی خود کارگران اخراجی و مراجعه‌ها ان به قسمت‌های مختلف و افعای - حرکت مدیریت

۴- همبستگی کارگران اخراجی و بدیت معنا که هر کارگری تنها به فکر موقعیت خود نبود و منافع خود را در مقابل کل کارگران اخراجی می‌دید.

۵- امضا* اومار بتوسط تعدادی از کارگران - قدیمی -

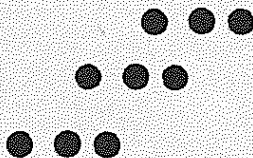
ب- امضا* اومار بتوسط تعدادی از کارگران قدیمی

اعتصاب - اعتصاب - مدرسه انقلاب

نیاز نفوذی گسترش یابد و حتی از نان شب نیز واجب تر است چرا که اگر چنین تشکلی نداشتیم با هم و جمهوری اسلامی بی راحتی نان را از ما دریغ خواهد کرد و هر روز بیش از پیش حقوقمان را - لگدمال خواهند نمود هر کارگر مبارزی قاعا سوال میکند چه نوع تشکلی را باید بطور مخفیانه ایجاد کنیم و آنرا در میان همکاران خود گسترش دهیم؟ به نظر ما مهمترین این تشکلهای در شرایط کنونی سندیکاى مخفی کارخانه است. این تشکل آندسته از کارگرانی را که مایل به مبارزه هستند و در عین حال ضرورت کار مخفی را در زیر سر نیزه حکومت میپذیرند در خود گرد میآورند تا صرفاً فوق که زبده ترین کارگران هستند سعی میکنند که با تماس بیشتر سایر کارگران را نیز جلب و سازمان دهند و آنها را در سطوح مختلف علنی یا مخفی گردم آورند. سندیکا در شرایط کنونی سالز تمام تشکلهای توده ای کارگری است و در تمام زمینه های منفی اقتصادی مبارز است کارگران برخوردار فعالی نمایند. علاوه بر سونگا که شرح را در بالا دادیم و ضرورت مقابله با اخراج قلبی کند که برای حمایت مادی از همکاران خود در صورت اخراج صندوق مخفی حمایت از اخراجیون را سازمان دهیم و با گرفتن حقوق ماهانه بتوانیم در مواقع ضروری که کارگری اخراج یا زندانی گردد به او و خانواده اش در حد توانمان کمک رسانیم.

- کارگران مسازر مدار:

سکوتمان دشمنان ما را گستاختر خواهد ساخت و برآکنندگیمان شکنندگی ما را در مقابل حملات مدیریتند کارگر آسانتر خواهد نمود. بکوشیم با وحدت خویش و با انجام خود در درون تشکلهای مخفی و علنی و بحضور سندیکا سد محکمی در مقابل دشمنانمان برپا نماییم.



موفقیت آمیز بود. عدم انجام رسالت فوق سبب گستاخی مدیریت در تعرض گردید و محور مبارزه - کارگران را درگون ساخت. کارگران مبارز بازگشت اخراجیون قطعا تا ثمرات یسزانی در برسد آگاهیمان داشت. ما در این حرکت نقاط قوت و ضعف خویش را دیدیم. دیدیم که با همبستگی و هم بستی میتوان حتی مدیریت را به معذرت خواهی وادار نموده اما با همه دستاوردها خواست اولیه ما یعنی برقراری ۴۴ ساعت کسار به قوت خود باقیمت. پیروزی در یک عرصه نباید ما را از ادامه مبارزه بازدارد. تجربه همگی ما نشان میدهد که نمیتوان انتظار بعضی را از این حاکمان سرمایه داشت (و نباید هم داشت) بلکه برعکس باید حقوق خویش را از حاکومنان بیرون کنید. ما باید تا تجهیز دوباره مجددا خواست ۴۴ ساعت کار را علم نموده و اینبار با توجه به درسهای گذشته بوزه مدیریت را به خاک بمالیم. حتی قانون کار جمهوری اسلامی نیز این حق را برسمیت شناخته است. و ما چرا از آن کوتاه بیائیم؟ حرکت فوق یکبار دیگر نشان داد که ما کارگران از انبوه مشکلات در رنجیم. حاکمیت با سرکوب تمام تشکلهای مستقل و جبار خود سعی دارد کارگران را همچنان در برآکنندگی نگاهدارد. کارگران در هر حرکت طلسم اتحاد و همبستگی را چیده اولیکن چون یکگرد یک تشکل کارگری سازمان نیافته اند، وند بعد از حرکت بسر جای اول خود باز میگرد برای تداوم حرکتها و برای بررسی نقاط ضعف و قوت و برای بسیج مجدد لازم است که از همین امروز بدون فوت وقت تشکلهای خویش را بوجود آوریم و در بستر هر حرکتی آنرا از هر لحاظ گسترش دهیم. ما کارگران عزیزان که یکدم از مبارزه برای آزادی ایجاد تشکلهای مستقل خویش دست نمی کشیم و همیشه سعی خواهیم کرد آن را بسازور (و نه با خواهش و التماس) به جمهوری اسلامی تحویل کنیم. ولیکن تا آزادی حق تشکل سزوری دست نگذاشته و بطور مخفیانه و در میان همکاران مورد اعتماد خویش آنها که ضرورت مبارزه مخفی در این شرایط را میپذیرند این تشکل ها را ایجاد کنیم. ضرورت وجود تشکلی که به طور مخفیانه مبارزاتمان را سازمان دهد و هر روز

نهیرونی و نهیرند کسانی که ره خلق بگیرند

این فریاد رسای مردم ایت در معبر تاریخ این اوج جاودانگی انسانی است در رزم طبقاتی که چون عسله انمی برسینه چون فاخته مینوارد تا رزم انسانی، یولآ بدیده امی گرداند. میاری که در دفاع تعرض میکند و در تعرض فدا میشود تا ابدیت جاودانی در قلوب زحمتکشان بیدار نماید. او کیست که در دفاعیاتش در بیدار دگانه رژیم ستم-شاهی جنینداسرد.

"جانم، استخوانم، خونم، پوستم و همه تار و پودم این راه را راه مقلدی شناخته است" آری او آشنای همه، جز بی از قلوب رنجبران و مبارزان راه بهر روزی و خسروزی بود. در روز ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۲ به حکم دگانه در بسته نظامی زحمتکشان ایران یکی از وفادارترین رهبران خود را از دست داد. دمی را که سردار رفت تا در راه از ریشه برکنند. رفیق روزی به تسلطی که بر چندین زبان خارجه داشت، تا زمانیکه بدشلولوی - ما رکیسم را انتخاب نموده، دست به ترجمه آثار باارزشی به زبان فارسی زد و تمام آثار خود را با نام مستعار "ستخر" یعنی ستوان توپخانه خسرو روزی منتشر نمود. او در جایی گفت: "تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است." اما چه کسی میتواند ندانکارند که توده ای بود، یا روغمخوا زحمتکشان بود، نه همکار ریزد لان جمع گفته در حزب برجسفيد "توده" او در اواخر از خیانت رهبران حزب نسبت به جنبش مردمی آن زمان و عملاً واقف گفت: "من وظیفه خود میدانم به قیمت جان خود این سقوط روحیه را جبران کنم." اما او در ابتدا از یک مسئله غافل بود. آن اینکه در توپخانه حزبی نام نویسی کرده بود که توپخانه آن فاقد اجتناب بود. او قلادت بدلیسل ماهیت ابورتونیستی امی، عاجز از بکار گرفتن آن بود. حزبی که پس از لورفتن سازمان افسریش در ۱۳۳۳ معلوم شد که یکم افسران جز و متوسط ارتش عضو آن بودند و همزمان با این لورفتن بود که ۶۰۰ نفر را افسران توده ای بازداشت گردیدند و این همه به غیر از هزاران نفر سر با زود رجه داری

بود که در زیر پرچم حزب توده گردآ مدیه بودند. با این احوال این حزب با وجود آگاه بودن از خطر کودتای علیه دولت دکتر مصدق، نتوانست و به عبارتی بهتر نخواست نیروی نظامی هوا نا را خود را بسیج کند تا کودتای فنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را با شکست مواجه گرداند. این خیانتی بود که به قیمت جان هزاران انقلابی و کمونیست تمام عهد رهبران این حزب در آن زمان و عملاً به اعنا و هواداران خود دستور دادند که در هنگام اسارت، پای مندیخانت به عقیده و مرا خود را امضا کنند. اینجا بود که روزی به تهران اعلام نمود: "وظیفه خود میدانم به قیمت جان خود این سقوط روحیه را جبران کنم." امروز در فرایطی که رهبران این حزب برجسفيد، مرعوب "آمیولها" رژیم فقا هتی شده اند و منعمانی چون احسان طبری و کیا نوری، به برپایی نمائشات تلویزیونی میگردانند چگونه میتوان روزی به دلیر را که زیر و خنیا نه ترین شکنجه ها مقاومت نمود و یک کلمه اسرار خلق را فاش ننمود، "توده ای" دانست این خیانتی به کارگران و زحمتکشان میهن و خیانتی است در حق روزی که او را "توده ای" بنا میم زهی بیشتر میست که امروز نیز پس مانده های فراری سفید مسلک حزب توده با روزی را از "خود" میدانند و برایش سینه ها ک میکندند. نه آقا با ن توپ های تاریکین مبارزه طبقاتی، روزی به زان زحمتکشان است و بین او و شما دره ای بس عمیق وجود دارد که اگر آب آفتاب نوس آرا مراد آن بریزید بهر نخواهد شد. اگر روزی به شما فاشش، محبوبیت توده ای پیدا نموده، حزب توده با فرار و نیز خیانتش، رسوایی توده ای کسب کرد.

در عاشقی گریز نیا شد ز سوز و ساز
استاده ام چو شمع مشربان را ششم

اعتماد در انتخابات

یکی از خواسته‌های اساسی کارگران این کارخانه اجرای طرح باقی‌بندی مناسبت میباید. و این در حالی است که طرح مزبور در تمدادی از کارخانه نجات و تحت فشار کارگران بمورد اجرا درآمده است اما مدیرینتقد کارگری کارخانه تحت عنوان مختلف از اجرای آن باخبر می‌شود. تاکنون کارگران مبارز منتصاب برای اجرای هرچه سریعتر این طرح نسبت به چندین حرکت زدند که هر بار با ترفند مدیریت و نداشتن تقصیر بدویش اداره کار بانا کامی مواجه شده است. اینبار کارگران مقاوم در روز ۶/۳/۶۳ نسبت به يك اعتصاب ۴۵ دقیقه‌ای می‌زنند. جریان از این قرار بود که یکی از نمایندگان شورای هفته پیش به کارگران قول داده بود که در روز شنبه یا یکشنبه نتیجه طرح از اداره کار گرفته و جواب آنرا به کارگران بکشد. ۹/۵ صبح جهت صرف‌جویی به سائلن غذا خور می‌روند بدلیل زود بختدن طرح از رفتن به سرکار خودداری می‌کنند. البته یکی از نمایندگان شورا روبه کارگران می‌کند و می‌گوید "اگر روزی می‌خواهید نسبت به تجمع بزنید و روزی را انتخاب کرده که در آن روز مدیرعامل (قصی‌نیام یا مدیر سرخی) در کارخانه باشند تا آنکه بتوانند جوابگوی شما باشند. کارگری در جواب گفت " شما همیشه به ما کارگران بدوخ گفتید ما که بچه نیستیم نخواهید سرمان را غیره بماند" آنگاه سرپرست یکی از قسمتها و بدلیل نبودن مدیر خواستار بازگشت کارگران به سرکار شد. کارگران به سرکار برگشته تا در فرصتی دیگر که مدیر نیز در کارخانه باشد. این فرصت در روز ۷/۳/۶۳ بدست آمد. باز کارگران هنگام صرف‌جویی از رفتن به سرکار خودداری نمودند و با زدن نیروی همگی شما طرح طرح طرح باقی‌بندی را سر دادند در این بین چندتن از کارگران حزبله‌ای که قصد خروج از سائلن غذا خوری را داشتند با فریب دادن هووی کارگران سرجا پشان نشستند. سرخی که صدای شعارهای کارگران را شنیده بود به سائلن غذا خوری می‌پدومی‌گوید مچرا نشستید؟ کارگران یکصد می‌گویند برای طرح باقی‌بندی سرخی

با عصبانیت می‌گوید: شما دیروز بریز روز هم اینجا جمع شده‌اید، این مسئله را زیاد حاد نکنید. صد بار به شما گفته‌ام که یکسری مسائل است که وقت می‌گیرد، این طرح برای خود مسئولی دارد و کارمندان مسئول در این مدت برای مرخصی و تعطیلات رفته‌اند. کارگری می‌گوید " شما همیشه قول می‌دهید اما عمل نمی‌کنید. فقط کارخانه منتصاب و ضمن این طور است صحبتها چند لحظه ای ادامه پیدا می‌کند و سرخی در انتها می‌گوید: من دیگر به شما قول نمی‌دهم که این کار در فلال روز یا بیان می‌آید ولی باز به شما می‌گویم بما قول داده‌اند یکی دو هفته دیگر تمام می‌شود، ولی از قبل تذکر می‌دهم که اگر تا آنروز نتیجه معلوم نشد دیگر نسبت به تجمع نزنید " کارگران به امید روشن شدن نتیجه این مدت را به مدیریت مهلت می‌دهند و نسبت از اعتصاب بر می‌دارند این اعتصاب ۴۵ دقیقه طول کشید. در این حرکت کارگران از روحیه بالایی برخوردار بودند آنها می‌گفتند اگر باز هم نتیجه معلوم نشود نسبت به اعتصاب خواهیم زد.

اخبار متفرقه

باتریکو - در اردیبهشت ماه برادر خسرو غاهی (سرمایه دار رفاری) که اخیرا دریناه رژیم جمهوری اسلامی به ایران برگشته است جهت برگزاری جشن (گویا نیمه شعبان) به کارخانه می‌آید و همراه خود مقددرزبانی شیرینی خارجی می‌آورد. کارمندان همانند جا کران وی، به دنبال راه می‌افتند. که این مسئله تا نسبت منفی در روحیه کارگران می‌گفارد ولی گویا نسبت به عمل کارمندان عکس العملی نشان نداده‌اند در جلسه برادر خسرو غاهی ز کارگران می‌خواهد با کار بیشتر در جهت حفله رژیم جمهوری اسلامی بنوشند اخباری از مال لیبیل - به پیروی از دستور رژیم فقها در این کارخانه نیز قرار شده که کار نمونه انتخاب شود. پس از چند روز لیست تهیه‌شده کارگران با کمال شگفتی دیدند که کارگرنمونه که هیچ که حتی نام کارگر در لیست نیست. کارندیدها بی که

بقیه خروش زحمتکشان ...

تقریباً تنها مبارز میدان نرزم علیه رژیم ضد انقلابی بود ولی این تنها بی دیری نیا نیسدو خیلی سریع هم زمان با مبارزات دلیرانسه زحمتکشان افسریه تهران و اقطار متوسط و نیز تبهستان شهری بیاری طبقه کارگر در مبارزه علیه رژیم که قصد بازسازی اقتصاد به نفع سرمایه داران را دارد و عتافعد حرکت زحمتکشان گالیکی مازندران و تظاهرات انقلابی مردم مغان آذربایجان و یورش دلیرانه زحمتکشان خوانسه خراسان به عمال رژیم و درگیرهای عدید وحاد بین آوارگان جنگی و رژیم در شهرک بهشتی خراسان و با لخره خروش توده های فلاکت زده قزوین علیه بی حقی عمومی و همه همه نشانگر این اتحاد مبارزاتی زحمتکشان با کارگران میباشند آنچه کاهم اکنون این اتحاد در می را برپا نموده هقبل از هر چیز فشارگرانی و فلاکت لجا گسیخته است این آتشفشان تلاحی انبوه ختم فروخورده ای است که هر بار همان باز میکند و حاکمان را در وضع مرکزی قرار میدهد اینبار نرسوران این آتش نشان ختم خود را در شهر قزوین بسه معرض نمایش میگردد جریان از این قرار بود در اواخر اردیبهشت ماه کمیته امور منفسی تصمیم میگردد که چند قلم کالا را به قیمت تعاونی و بین مردم توزیع کند این کالاها عبارتند از چرخ خیالی و جاروی برقی و دیگ بلویز و دیگ زودباز و گازفردار روز پنجشنبه سوم خرداد درامعین میکنند که فرم تقاضا نامه ها را بین مردم بخش کنند این فرمها در سه ورزشگاه شهر قزوین توزیع میگردد تعداد این فرمها ۲۰۰۰ عدد بود که به همین تعداد میرسید اکثر مردم در شعب پنجشنبه به مطالبای توزیع فرم آمده و صف بسته بودند حتی از دهات اطراف نیز آمده بودند در زمین ورزشگاه مولوی ساعت ۷ صبح چهارم خرداد به جمعیتی که در صف ایستاده بودند به هربك شماره میهنده در این میان توزیع شماره ها عادلانه نبود و حتی برخی شماره ها را میفرودختند که این مسئله جرقه ای

شد تا درگیری بین زنان متقاضی و توزیع کنندگان امور صنفی بهش بیاید (اکثریت جمعیت را زنان تشکیل میدادند) این درگیری بحسدی عدیدند که يك حامله سقط جنین کردو چندین نفر هم بیحال و مجروح نقض زمین شدند ابعاد درگیری آنقدر اوج پیدا میکنند که فرماندار قزوین به محل مزبور میاید یکی از زنان بسا سدک ماشین فرماندار را نشان رفت و دیگران نیز همین کار را میکنند جمعیت در این موقع شعارهای زیر را سر میدادند
مرک بر باریلکین (امام جمعه قزوین) مرگ بر باسدار " مرگ بر خمینی " و همچنین نرزمین ورزش رجائی بعد از اینکه تعدادی فرم در ساعت ۹/۵ الی ۱۰/۵ صبح بخش گردیدو توزیع کنندگان فرم بارتویازی میگرددند مردم هجوم آورده وصف ها بهم خورد و به میدان مبارزه تبدیل عد کمیته امور صنفی از بخش فرم خودداری کرد مردم هم یکی از مسئولین بخش فرم را گرفته و کتک میزنند ۲۰ نفر در این درگیری زخمی و مجروح شده و به بیمارستان انتقال یافتند مردم غیبه های سالن زورخانه ورزشگاه را می شکنند و شمار مرگ بر باسدار مرگ بر خمینی را میهنند درجایی زنی که به شمار مرگ بر باریلک بین اعتراض کرده بود توسط زنان خمیگین مورد یورش قرار میگیرد که مزدوران رژیم دخالت میکنند در همین جا شمار مرگ بر باسدار داده میشود البته کلیه شماره ها نه به صورت جمعی بلکه بصورت برانکنده و نسته های مجزا و ناهاها هنگ داده میشده همچنین گفته می شود سر فرماندار در درگیری با زنان شکسته اسف و يك زن نیز در زیر دست و پا مرده است تقاضای درگیری ها که انعکاس وسیعی در ساح شهر داشت و همه از آن به عنوان انقلاب یا دمیکردند و شامت مردم و بخصوص زنان را میستودند رژیم اعلام میکنند که دیگر فرم بخش نخواهد شد بلکه مردم میتوانند از کسانی که فرم دارند فتوکپی تهیه کنند این امر سبب میشود که صفهای طولیلی جلوی عکاسها بسته شود و هر کمتراز چند بقیه در صفحه ۱۷

در اعتراض به گرانی ارزاق عمومی بپا خیزیم

||| اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان |||

ایران ایزار

این کارخانها و بسته به بنیاد دستمزد تعیین است و حدود ۸۰۰ نفر کارگران در تولید آن انواع نرغون بیل و کلتک و غیره مبادعت مدت سه ماه است که بهره‌وری (حق تولید) را در این کارخانها قطع کرده اند. (لازم به تذکر است که بهره‌وری را به کارگران پرداخت نکردند یا توجه به اینکه فضا کارر وی کارگران افزایش یافت. کارگران در روز چهارم شنبه ۱۳/۳/۹ به همین منظور نماینده‌ای انتخاب می‌کنند تا با مدیریت صحبت کند. مدیریت هم بسته کارگران قول داد که از این ماه حق بهره‌وری را پرداخت نماید.



نم چیسن - در هفته‌ای که گذشت مدیریت کارخانها حق ۳۵٪ عیبکاری را که قطع کرده بود، بدنسالی اعتراضات کارگران پرداخت نمود. با تریکو - در راه بیل با بخندنهای که رژیم جهت از دنیا حقوق کارگران ما در نموده است (روزانه شش تومان) در کارخانها تریکو به حقوق ۱۸ نفر ساز کارگران اضافه نمیشود. این مسئله باعث میشود که ۱۸ کارگر به اتفاق هم به اداره کار بر روند و خواهان افزایش حقوق خود شوند. ولیکن مسئولین اداره کار میگویند ما این بخندن ما را ما در کرده ایم و ولی مدیریت کارخانها نمیتوانند بر اساس حسن خدمت کارگران این کار را بکنند یا نکنند. کارگران مجدداً بطور جمعی به مدیریت مراجعه میکنند و خواهان حق خود میگردند. مدیریت نیز بناچار قبول میکند ز شهرسور ما حقوق آنها را زیاد نماید.



شیشه - در این کارخانها به یک بسیجی با درست داشتن یک بسته قبضی بعنوان کمک مالی به جیبها های جنگ و از کارگران تقاضای کمک میکنند تا این بسیجی به قسمت کارگران ما عینکاری میروند از کارگران تقاضای پول میکنند. کارگران بعلمت اینکه یک روز حقوق خودشان را بزور بعنوان کمک به جیبها ما هیا نه کسر میکنند و درگیری لفظی با بسیجی پیدا میکنند و کم تمام کارگران قسمت ما عینکاری و تحویل جمع میشوند و بسیجی را مسخره میکنند و هم فرا را برقرار ترجیح میدهند و کارگران هم " هو هو " سر می‌هند یکی از کارگران با صدای

بلند می‌گوید: " اگر با ریدگر اینها بیانی قلم بایت را می‌شکنم."

کارگران یکی از قسمتهای این کارخانها در روز اول ماه ما قدم به جمع آوری پول نموده و شیرینی خریداری میکنند و با بخش شیرینی روز جهانی طبیقه کارگران جشن میگیرند. در این رابطه کارگری می‌گفت: " اگر یکی از کلفتها (آخوند) بعید یک روز تعطیل سه روز عزای عمومی اعلام میشود. ولی برای روز کارگران رزقی قائل نمیشوند."



مسدا ر - در هفته‌ای که گذشت ۱۳/۳/۹ کارگران کارخانها هادی بودند که مدیرعامل جدید چگونه می‌خواهد حقوق ناچیز کارگران را هر چه بیشتر به نفع مختلف کاهش دهد. در روز اول خرداد هنگام دادن حقوق ملحق معمول صندوق کمک به جیبها در کنار مسئولان دادن حقوق به چشم می‌خورد. کارگران وقتی با صندوق مواجه میشوند بعضی از آنها که با مسئولین هر بومله سلام و علیک داشتند سعی می‌کنند با صحبت با سایر کارگران خوششان را سرگرم کنند و حتی رویشان را به طرف صندوق بر نمی‌گردانند. بعضی دیگر هم بسا نا رضایتی به صندوق پول میدادند. در این بیسن کارگری می‌گفت: من حقوقم عینا سال اضافه نشده است. بمن گفتند که با دیدن کمال تمام بود تا به این حقوق اضافه بشود. هر وقت با حقوقم اضافه شد به جیبها کمک می‌کنم. کارگر دیگری می‌گفت بگیر این را هم سنگ خور.

- مسئله دیگر کارخانها به بخندن ما مدیرعامل جدید کارگران را نند که ما عین تحویل بسا ن میباید بود. قبلاً در صورت وارد شدن خسارت به ما عین ۵۰٪ به عهده کارخانها ۲۰٪ هم زلف را ننده بود. مدیرعامل جدید ملی اعلامیه‌ای مطرح کرد که از این به بعد میباید ۱۰۰٪ خسارت بعهد ما نندگان باشد. بعضی از نندگان مطرح کرده اند که به زودی استعفا خواهند داد.

- دفترچه بیمه - مدیرعامل ملی بخندن ما ای اعلا - م - میکند که تمام کارگران را بی‌پول دفترچه بیمه را بپردازند. لازم به تذکر است که کارگری که ۱۸ سال در کارخانها کار میکند تا بحال پول دفترچه بیمه نداد. کارگری می‌گفت: بیمه ما نه به چه درد می‌خورد که تا ز پول دفترچه را هم از ما بگیرند و



اگر کارخانۀ کارگر کم با ردا استخدام کند در ضمن مدیریت صحیحتاً بکنایه کارگران با بیستمت را به بخش دیگر منتقل کند که کارگران به مخالفت برخوانند و مدیریت را نا کام میگذارند. کارگران این بخش از کارخانۀ در حال حاضر ردا خود را بدفاع میکنند و فقط در دفاع از خود موفق میشوند. بیرون بیانی بدست آورند و گریه همین شکل ادا میکنند. کنایه مشکلات زیاد میواجه خواهند. بنا براین با بدکارگران بخشهای دیگر با حمایت گسترده از خواستهای این بخش از کارگران سد حکمی در برابر مدیریت ایجاد کنند.



نارنج - حدود ۵ ماه پیش با صدور فتوای خمینی مبنی بر بالای بردن ساعت تولید نماز جماعت قتل و کارگران این ساعت را بکار بردند. اما بدلیل انتخاب اتو اوج گیری تضاد در میان با لاینها این مسئله خود را در بین مسئولین کارخانه به اشکال مختلف نشان میدهد. علت اختلافهای دیرینه با انجمن اسلامی هریک سی در پی رسیدن اهداف خود در تاریخ ۱۶/۲۹ برای افتتاح مسجد از جانب مدیریت با ریک بین دعوت عده بود که برخلاف انتظار مدیریت با استقبال روبرو نشد. کارگران دختر بجای نماز خواندن به صحبت مسی برداشتند. مدیریت با عصبانیت وارد نمازخانه دختران شده و از آنها میخواهد که در صورت نماز نخواندن کارخانه را ترک نمایند. لازم به تذکر است که از بین ۱۰۰ کارگر زن فقط ۲۰ نفر نماز خواندند. این مسئله در بین کارگران مرد هم دیده میشود. بیض نماز از کارگران مرد خواسته که منبع هریک از افراد شرکت کنند. نماز یک نفر را یا خود بیاورد تا همه مجبور به نماز خواندن شوند. نماز اجباری و کنترل نگهبان در مورد رفتن به نماز خانه سبب ناس رعایق کارگران عده که خود را به دلیل اعتراضات برانگیز و تحریم نماز نشان میدهد.



دیگری میگفت: اینها (رزیم) به چهره روزی افتاده اند خوب يك كاسه بر دارند و بیا بندد کارخانۀ زهر کارگری گدا بی کفندولی رویشان نمینودا پنجوری میخوانند بیت بستیشان را نشان دهند.

حقیق توایند. حق تولید سه ماه چهار مه سال ۱۲۲۲ قرار بود بعد از زاید بر نا خسته بود که هنوز اده نشده کارگران با تمسخر به سرپرستها میگفتند مسئولین کارخانۀ نه چند خوش قول هستند همین که میگفتند بعد از عید میدهیم دادند. دیگری میگفت: ای بسا با گفتند بعد از عید گفتند فروردین ماه که لایبند میخوانند سفت بندند.

غیا بر روری، کارگران، و بر خورد کارگران با آن: از آنجا که مدیریت نتوانسته بود قبل از مقامات حرکت یکبار چرخ کارگران مقاومت کند مجبور شده بود که کارگران را خارج از کارخانۀ بازگرداند. در این فرستاست تا بهر شکل که شده فضا را بر روی کارگران بازگرداند. عده ای از کارگران قسمت جدید کارخانۀ معات یا بین بودن سلاح مستخدمه کارخانۀ آنها بی که با حقوقها ن بیشتر بود رفتند. در نتیجه بر قسمت با کمبود کارگر مواجه میشدند. مدیر - به میخواهد که کارگران را دوتفر کارکنند. فعلاً کارگران آنجا که میتوانند از این بدهد کارگران این قسمت متحداً نمیگویند که ما فقط میتوانیم بجای خودمان کارکنیم نه بیشتره کارگران استخدام کنید. که مدیریت با تهدید و رعب میخواهد آنها را وادار به این کار کند. تا اکنون موفق نشده است.

بدین ترتیب از روز ۱۳۳۱/۱۳ یکبار زستگاههای این قسمت خوابیده است. از قرا معلوم مدیریت به کارگران گفته که اگر زستگاهها را راه نیندازید "تولیان" را سرپرست شما میکنم تا شما را آدم کند. و در جواب کارگران گفتند این شعبان بی بیخ کسه شما از دم میزنید بیا و رید تا دیگر کنیم بی اعتبار شویم. خواهیم کرد. مدیریت وقتی میبیند که کارگران با هم اتحاد دارند مجبور میشود دیگر دیگر را یعنی رئیس قسمت "ایرکت" را سرپرست سالن جدید بنادند که کارگرایی گویند بر این فقر نمیکنند که چه کم سرپرست با شما فقط میگویم ما با خودمان کار میکنیم.



سازمان با قانون کار ارتجاعی، دفاع از منافع کارگران

ها را با یک درمیان بیا بندو کار کنند. (کارخانها پنجشنبهها تعطیل است) کارگران عکس العمل دیدی نشان ندادند و خبر سرعت به تمام قسمتها ی کارخانها رسانا کرد. هر کارگری که خبر را می شنید چهره اش برا فروخته میشد همه کارگران متفقا لقول بودند که اگر پنجشنبهها را یک درمیان سرکار بیا بند رژیم به بیا نه جندک تعطیلی پنجشنبهها را از آنها خواهد گرفت. در اثر عکس العمل شدید کارگران بود شعبانی و کارخانها را چند ساعت بعد موضوع را تکذیب کردند.



آنا مس سالی میخک - جندی بیش کارگران این کارخانها همه میکنند که یک موش در داخل مسایع آنا مس را فتاده است به همین دلیل تولید را متوقف و مدیر را خیر میکنند. مدیر سونجو (همچون کل لبقه سرما بیا در که جز به منا فعنان به چیزی فکر نمیکنند) با کمال وقاحت موش را بیرون آورده و اعلام میکنند که ما بیع سالم است و تولید را ادامه دهید. کارگری بعد از رفتن مدیر یک جمعه تا بند در داخل ما بیع آنا مس میریزد. مدیر از این موضوع اطلاع پیدا می کند و از کارگران میخواهد که کارگر مذکور را بزنند. کارگران یکبار چا را این عمل ندکین برهیز میکنند و مدیر نیز است از بارها زتربه دفترش بازمیگردد.



سنتاب - هر روز که میگذرد لبقه کارگران است به منافع طبقاتی خود آگاهی بیشتری کسب میکنند و این رشد آگاهی را در هر روزم بر سر خود دیده تما بین میگذارد. اخیرا (اواخر اردیبهشت) کارگران عضو تعاونی مسکن کارخانها سنتاب که حدود ۲۰ نفر هستند اقدام به برپایی مجمع عمومی خود میکنند و در این مجمع تصمیم میگیرند که جهت نظارت و کنترل بر اعمال هیئت رئیسه تعاونی مسکن هیئتی بنام هیئت بازرسی ایجاد کنند. به همین دلیل انتظارات بازرسی و سه تن از کارگران بعنوان بازرسی تعیین میشوند تا کنون هیئت رئیسه تعاونی مسکن سعی کرده به اشکال مختلف از زیر نظرارت و کنترل بازرسان فرار کند ولی بازرسان بحق از خود مساجت نشان میدهند.



مسدا ر - در هفته ای که گذشت (۱۳/۳/۷۲) سالن جدید همچنان دستخوش حملهها و ترندها و مدیریت و انجمن اسلامی بود. مدیریت که میباید نمیتواند کارگران را به زور وادار به آنچه خود می خواهد کند سعی در شکار فتره مخوف متحد کارگران و دست زدن به ما نورهای مذبوطه های دارتاشا بدیدین طریقی به نیت شوم خود که همانا باسدا ری از نلام رو به زوال سرما بیا در میباید برسد. روز پنجشنبه ۱۰/۳/۷۲ سرپرست جدید که بتازگی از طرف مدیریت بهایسن قسمت گسیل شده است جلسه ای ترتیب داده و بقول خویش میخواهد خواسته های کارگران را عملی سازد. این جلسه که با حضور رئیس انجمن اسلامی و کارگران و سرپرست کل سالن انجام گرفت بکنفران کارگران طی سخنانی خواسته های کارگران را مطرح میسازد که شامل افزایش دستمزد، کاهش فشار کار، مکانات رفاهی مطبوعا هم و وسایل گرم کننده و سرد کننده آنها رو با موجهی و در صورت ندادن شام برداخت بول آن و ... بود. که در این بین مدیریت و انجمن اسلامی سعی می کردند که طوری وانمود کنند که میخواهند به این خواستهها رسیدگی کنند. کارگری گفت آقای رئیس انجمن اسلامی، آیا شما نمیدانیدند این کارخانها نه چه میگذرد، نمیدانید که این پولها کس حق کارگران است ما نقدی تولید و غیره به چه چیز کسی میرود، در این مدت چه کاری برای کارگران انجام دادهاید؟ طرف چه کسی را گرفته اید مدیریت یا کارگران؟ رئیس انجمن اسلامی سر و صورتش سرخ گشته و جلسه را هر چه زودتر به پایان رساندند.



مسال لیبیل - با شروع ماه رمضان و فعال شدن بسیج و انجمن اسلامی یکبار دیگر چهره بدون مساک این مزدوران فاعیست برای کارگران آشکار شد آنها چون حیوان بوز خود را به همسوراخی کرده، بسو می کینند تا شاید کارگری را به حال آب خوردن و بسا سیگار رکیدن پیدا کنند. این مسئله خوب باعث شده که کارگران به صورت چند نفری مخفیا نه برا همیگار کسیدن و یا خوردن صبحانه دور هم جمع شوند. روز دوم به مخفیا نه اعضا انجمن گفت که باید کارگران برای آنکه روزها آنها باطل نشود نه مساجت زودتر یعنی ۱۰/۵ بجای ۱۱ تعطیل شوند و در عوض پنجشنبه

از کارکنان و تجمع می‌کنند ولی بعداً معرفی می‌شوند. مدیران سرکار ترنرفته و می‌گویند ما نه به خاطر اعتنای بی‌مهری جدید بلکه به خاطر مطرح کردن خواسته‌هایمان در اینجا جمع شده ایم. سپس خواسته‌های خود را مطرح کردند که عبارت بود از اجرائی طرح طبقه‌بندی و مهندس با این نظرند که کارگران با شدوا رئیس وانجمن اسلامی بیرونی نکنند. در این دوزمینه‌ها می‌باید که کارگران قول مساعدات دولتی در مورد خواسته سوم کارگران که در طرح دادن ما عین به کارگر نموده بودیم می‌گفت که اصلاً ما عینی وجود ندارد که به کارگران داده شود. جریان یک ساعت بطول انجامید و بعد کارگران به سرکار خود برگشتند.

فرش بی‌س - در این کارخانه به کارگران حق تولید داده که به تعداد ۲۵۰ تومان به تعدادی دیگر کمتر از این مبلغ تعلق گرفت. این موضوع مورد اعتراض کارگران قرار گرفت ولی این اعتراض در حد گفتگو با مدیران است. بعضی‌ها اینطور از بی‌مهری می‌کنند که به خاطر فرار از اجرائی طرح طبقه‌بندی معارضان حق تولید دادند و بعضی‌ها می‌گویند باید دستگاریها را بخوابیم و با مدیران مذاکره کنیم.



مسولین موکت - تعداد ۸ نفر از کارگران کمک با فنده به علت فشار زیاد محل کار خود را ترک نموده و بطرف دفتر مدیریت می‌روند و از او می‌خواهند که به تعداد کمک با فنده‌ها افزوده شود. فعلاً با هر دستگاری یک با فنده و دو کمک کار می‌کردند اما رژیم بمنظور تعدد دستگاریها تعداد کمک با فنده‌ها را به یک نفر تقلیل داد. مدیریت در برابر این عمل کارگران آنها را بعنوان تنبیه یکروزه از کار معلق می‌کنند و بجای آنها کارگرانی را که در این کارخانه بعنوان ذخیره حضور داشتند بکار می‌گیرند.

مسولین موکت - ساعت ۹/۵ صبح ۱۳۳۷/۷ که همه کارگران صبحانه را صرف کرده و در حال خارج شدن از ستوران بودند یکی از عنا سر رژیم با صدای بلند می‌گوید چند لحظه صبر کنید زیرا که من چند سوال از شما دارم. اول اینکه آیا شما مسلماً نیدیا نه؟ کارگران در جواب این سوال با صدای ضعیف بله‌ها می‌گفتند. بعضی مزبور به سخن خود ادامه دادند و به اعلامیه‌ای که به دیوار زده شده بود اشاره کردند و گفتند در این اعلامیه نوشته شده است که حضرت محمد

فرش بی‌س - یکی از کارگران بطور غیر عمد قسمتی از دستگاریها می‌کند (ثانیه) این موضوع توسط یک مکانیک جاسوس به مهندس رضوی گزارش داده می‌شود. مهندس نیز بدون صحبت با کارگر مزبور و از کاربرکنان می‌کند ما بکارگران قسمت با فندگی که فردا صبح از موضوع مطلع می‌شویم همگی بعد از ساعت دست از کار می‌کشند و تصمیم می‌گیرند رضوی را کتک بزنند. رضوی از ترس با نگهبانان تماس می‌گیرد و از نگهبانان می‌خواهد که کارگر مزبور را از محیط کارخانه بیرون ببرند و نگهبانان وقتیکه وارد قسمت می‌شوند با کارگران متحد می‌شوند و آن کارگر را رو بر روی می‌شوند و در نتیجه از آنجا خارج می‌شوند. در این میان مهندس همایی رئیس کارخانه در جمع کارگران حاضر می‌شود و کارگر مزبور را به سرکار بر می‌گرداند. کارگران که احساس کردند رئیس کارخانه عقب‌نشینی کرده است دست به بی‌مهری زده و خارج مهندس رضوی را تفتان می‌کنند. مهندس رضوی هم می‌گوید در صورت برگشتن آن کارگر به سرکار استعفا می‌دهد. نتیجه آن که کارگر با حمایت سایر همکاران خود در قسمت قالی باقی می‌ماند و خود بر می‌گردد و مهندس نیز که شکست خورده بود ابتدا به مرخصی رفته و سپس از فرش بی‌س بیرون می‌رود. او اکنون مدیر تولید شرکت ایران موکت می‌باشد.

در نتیجه انتخابات اعضای تعاونی صورت در این کارخانه ناموفق می‌شود. تمام خود را به سایرین تحمیل کنند اینکار مورد اعتراض سایر کارکنان و کارگران قرار می‌گیرد. ولی این اعتراض تا آنجا که در هیچ شکلی به جز صحبت کارگران با مدیران خود را نشان نداد است.

بعد از رفتن مهندس رضوی مهندس دیگری بنا بر پیشنهادی بجای او قرار می‌گیرد اما مزبور، معرفی صورت می‌گیرد. (در این کارخانه بنده هم رسماً است که مهندس هنگام رفتن می‌باید جا نشین خود را در جمع کارگران به آنان معرفی نماید و بجای در این مورد به علت درگیری رضوی با کارگران عمل فوق صورت گرفت در نتیجه مهندس جدید مورد بی‌توجهی کارگران قرار گرفت. بطوریکه کارگران به او دستوراتی کم‌بها می‌دهند و توجهی ندارند. بعد از سه روز مهندس همانی از کارگزاران می‌خواهد که بعد از پنج دقیقه دستگاریها را بخوابانند تا او مهندس جدید را معرفی کند. کارگران نیز دست

گفته است که دشمنان من کمانی هستند که صدای اذان را می شنوند و ولی برای نماز به مسجد نمیروند.

پس چرا نما در موقع ظهر برای نماز خواندن به مسجد نمیروید؟ چند تن از کارگران گفتند که ما نماز را در خانه میخوانیم و جمع دیگر نیز بدون اعتنا به سخنرانی وی محل مزبور را ترک میگویند. مشخص مزبور وقتی متوجه میشود که تیرش به خطا رفته دست از پا دراز تر به محل کار خود می رود. در ضمن همیسن غرض دیگری از ما لهذا با چند تن از کارگران مشغول صحبت میشود که کارگران را در جواب می گویند چرا تو هنگامیکه به کارگران غذای غیر بهداشتی که در داخلش پرا زسومک و مگس است میدهند، چیزی نمیگویی ولی وقتی کسی برای نماز می رود دست در میان او و در جواب می گویند خدا را شکر کنید که همین راه میبندد مسولن موکت - رژیم فقها بار دیگر دست به یک عمل ضد کارگری زد. جریان از این قرار است که در تاریخ ۱۳/۳/۶۳ در کارخانه طرحی بسه اجرا گذاشته شد که کارگران قسمت موکت باید در هر شیفت ۵۰۰۰ متر موکت تولید کنند و اگر بیشتر از این متر تولید شد متری ۱۰ ریال بین تمامی کارگران تقسیم خواهد شد. در قسمت دور - دوری سدگاه برش باید در شیفت ۴۷۰۰ متر برش کنند و اگر بیشتر از این حد برش کردند درازای هر متر ۵ ریال به کارگران آن سالن پرداخت خواهد شد. سرپرستان تلاش بسیاری می کنند که تولید را بالا ببرند. در این رابطه حتی کارهای متفرقه دیگر را نیز به کارگران قسمت محول - مینمایند. اما با وجود این همه فشار نتیجه مثبتی عایدشان نمیگردد. بعنوان مثال در قسمت موکت تولید از ۲۰۰۰ به ۱۴۰۰ تنزل کرده است.

فصل سازی - کارگران این کارخانه به دلیل عدم اجرا و درست طرح - ابقه بندی بعنوان اعتراض دست به یک اعتصاب چهار روزه میزنند. مدیریت با مشاهده چنین حرکتی تلفنی اداره کار را در جریان میگذارد. پس از مدت کوتاهی نماینده ای به کارخانه فرستاده می شود. نماینده مزبور به محض رسیدن به کارخانه، کارگران را جمع نموده و با یک سخنرانی حرکت کارگران را یک عمل شرعی دانست و در پایان سخنان از کارگران می خواهد که به سرکارشان برگردند تا اینکه مسئول اجرای طرح اعتراضات کارگران را با سخنگوی کارگران نیز با گرفتن چنین قولی به سرکارشان بازمیگرداند. مدیریت به منظور خنثی نمودن حرکت از تاکتیک تفرقه افکنانه مبنی بر اینکه موافقان و مخالفان طرح به دفتر مدیریت یا بندت این کارخانه داخل لیستی نوشته شود و وزیر آنرا امضا کنند. در این میان کارگرانی که با اجرای این طرح موافق بودند به نزد مدیریت رفته و از اجرای طرح حمایت میکنند. این عمل اشتباه باعث گردید که در میان کارگران شکاف ایجاد شود. هر چند که مخالفان طرح زیاد بودند اما مدیریت با پیشبرد روش خود با عسرت برای کندی آنها شد.

در اردیبهشت ماه ۱۴ نفر از کارگران را در اعتراض به سرپرستان که آنرا نمی خواستند از کار معلق نمودند ولی بعد از مذاکره با محیر ۱۰ نفر از آنها بسر کسار و ۴ نفر دیگر علی رغم شکایت از مسئولین به اداره کاره اخراج شدند.

شهر الکتریک - کارگران این کارخانه به منظور تاخیر در پرداخت حق تولید تاکنون چندین بار بشکل انفرادی و جمعی با مدیریت صحبت نموده اند که هر بار با وعده و وعید مواجه شده. اخیرا با شدت گرفتن اعتراضات در میان کارگران مدیریت برای جلوگیری از حرکت احتمالی کارگران در این رابطه به آنها قول داده است که تا تاریخ مشخص یا دای افزایش تولید را پرداخت نمود.

دخانیات تهران - مدیریت ضد کارگری ایسن کارخانه طی اطلاعیه ای اعلام میکنند بدلیل اختلال و اعتصاب ۱۴ روزه اخیر کارگران که یک اقدام ضد انقلابی بود و آبروی جمهوری اسلامی را در پیش چنانچه نیا ن خدمه دار نموده هیچ گونه با دای وعیدی به کارگران این کارخانه تعلق نمیگیرد. هنوز از عکس العمل خبری نیست.

تبریز - بدنیال اعتصاب اخیر دانش آموزان مدرسه خیام که ما شرح آنرا در پیام شماره های قبل آورده ایم - اطلاع پیدا کردیم که دانش آموزان قهرمان این مدرسه توانستند به اکثر خواسته های خود برسند. از جمله این خواسته ها ۱- برکناری "خطایی" مدیر مدرسه و انتقال آن بجای دیگر ۲- بازگشت دانش آموزان اخراج شده و زندانی به سرکلاس ۳- آزادی "مهدی" پاپا مستخدم مدرسه که بدلیل حمایتش از دانش آموزان به توسط کمیته دستگیر شده بودند. بازگشت معلم اخراجی بسر کار و البته به مدرسه دیگر "پیام کارگر" این پیروزی را از صمیم قلب به دانش آموزان قهرمان خیام تبریک میگوید.



سنندج - بدلیل اینکه اکثر مدارس این شهر فعلاً به توسط نیروهای انقلابی عملاً رنویسی میشوند حتی این اواخر هر کلاس پر از شماره های انقلابی بوده آموزش و پرورش به دوروز مدارس را تعطیل میکند تا به "باکازی" شماره ها ببرد ازده این نهاد ارتجاعی جهت به اصطلاح تنبیه "دانش آموزان" امتحانات را چنان مشکل گرفت که برای اکثر آنها شانس برای قبولی وجود ندارد.



کرمانشاه - ماه گذشته در باغ فردوس - کرمانشاه (گورستان شهر) خانواده های تیسر باراننده ها از جمله یک شهید که طرفدار سازمان فدائیان اقلیت بود. خانواده اش وصیت نامه او را تکمیل کرده و یکروز پنجشنبه که گورستان خلوغ بوده آنرا بین مردم بخش میکنند که از جانب مردم استقبال خوبی میشود در وصیت نامه از شکنجه هایی که شده بود تاکید بر ادامه راهن صحبت کرده بود.



قزوین - تحریم انتخاب - فرمایشی توسط توده های میهن خونگرفته از تیغ خونریز فقها با ردیگر ثابت کرد که ارفیت سیاسی توده ها با لاسد تا آنجا نیکه حتی نیروهای سیاسی نیز

گزارشی از انتخابات مرحله دوم شهر تبریز علیرغم تبلیغات و سخنرانی های گزافی از - بانبر سردمداران رژیم بیتفاوتی مردم کاملاً مشهود بود. اکثر حوزه های اخذ رای خالی بود فقط گهگاهی افرادی رفت و آمد می کردند. در حوزه مستقر در خیابان شریعتی که از مناطق پر جمعیت شهر است تا ساعت ۱۱ صبح فقط ۸ نفر رای داده که ۶ نفر آن مربوط به مسئولین صندوق است که به میل خود آمده بود در رای هتدم بنا به درخواست مسئولین از يك عابر اخذ شده بود. فردی از قول یکی از مسئولین نقل میکرد که چون کسی برای دادن رای نیامده بود ما به فرمانداری تلفن زدیم و پرسیدیم که مطمئن هستید امروز انتخابات است؟ در محله بخوندی به محض ورود ۲ نفر به حوزه از بلندقوی مسجد مردم را به آرامش و عدم از لحاظ دعوت کردند. یکی از آن سه تن می گفت ما بالاخره نهمیدیم از لحاظ کجا بود که ما سه نفر بیشتر نبودیم؟! بازارها و مغازه ها برخلاف سالهای پیش بسته بودند و علت آن این بود که صندوقهای سیار به سراغتان نیامده با توجه به اینکه شهر حدود ۲ میلیون جمعیت دارد رای نامبندگان کمتر از ۸۰۰۰۰ بود. موسوی تبریزی خائن انتخابات نبود. بنا به گفته اش ۲ روز پس از انتخابات ۲ نفر از ۳ نفر محافظان او را گرفته بودند. چند ماه پیش هنگامی که وی در مسجد حکم آباد سخنرانی میکرد یکی از وسط محلس بلند شده و گفته بود: آقای موسوی این دوره دیگر برای شما بر این شهر به صندوق ریخته نخواهد شد. (هویت این شخص هنوز معلوم نیست)

اکثریت مردم گفته بودند: در مرحله دوم کمتر از مرحله اول رای خواهند داد فردی به هنگام رای دادن می گفت: بخاطر سبب زمینش کیلوسی ۳۰ تومان رای بدم؟ به چه چیزتان دلم خوش باشد. من دیگری میگفت: رای بدم برونسد آنها بخوابند یا: ۱۵ دقیقه وقت صحبت خود را ۵ دقیقه مدح و ثنا بگوید و ۱۰ دقیقه بعد راند اختیار آقای رفسنجانی بگذارد. من یکی رای نمیدهم.

ا بهر سه همزمان با مرحله دوم انتخابات در این شهر درگیریهای شدیدی روی میدهد. جریان از این قرار بود که مردم مشاهده می کنند و نمایندگانی که بیروز عدالت حتمی بوده انتخاب نگردید و در عوض ارگانهای رژیم در سطح شهر شخص دیگری را بعنوان نماینده از صندوق آرا بیرون آوردند که برای اکثر مردم نا آشناخته بود. طرفداران نماینده مغلوب از نماینده غالب میخواهند که بیایند و برایشان سخنرانی کنند. اما همین که شروع به سخنرانی میکنند مردم بدترش پورش میپزند (لازم به تذکر است مردم بدلیل نفرت بیش از حد از رژیم و در این درگیری شرکت کردند تا پوششی برای مبارزه خود با رژیم و داغنه باغند) در نتیجه بین مردم و پاسداران درگیری ایجاد میشود. در این درگیری حدود ۳۰۰ نفر از مردم با زداغت میشوند. رادیوی زنجان به این مسئله اشاره نمود و آنرا ناشی از نفوذ "گروهکها" دانست.

بقیه در صفحه ۲۲

از این اقدام متهورانه زحمتکشان میهنمان در حیرت بودند. در شهر برجعمیت قزوین با مناطقی بر جمعیت چون آبیکه الموت رودبار نیز باید به کا ندیدها های آن رای دهند. انتخابات در دور اول ۲۶ فروردین با تحریم گسترده مردم روبرو شد و در مجموع حدود ۱۰۰ هزار نفر رای دادند. (صرف نظر از عملیات کارگاه رای سازی رژیم) اما در دور دوم ۲۷ اردیبهشت ۵۰ هزار نفر به صفا تحریم کننده گان پیوستند و رژیم توانست حدود ۱۰۰ هزار رای جمع آوری کند و نماینده ای که به مجلس راه یافت (هجرتی) تنها حدود ۵۴ هزار رای آورد. درود بیکران بر صلابت پسر شکوه توده ها.

در این هفته رژیم دست به جمع آوری پسانها در سطح شهر زد و با اجیر کردن چند مامور دستفروشا را از مکانهای که ایستاده بودند دور میکرد در صورت بازگفت اجناس آنها را توقیف میکرد. مردم با حالت انزجار از این اقدام که در میدان امام خمینی شهر صورت میگرفت برخوردار میگرددند. مردم به مامورین شهرداری میگفتند: شما با جمع کردن دستفروشا و بساط این بیچارها بگویند چطور خرج زن و بچه هایشان را در آورند. زن زحمتکشی می گفت: رژیم خودش مردم را وادار میکند که دست به دزدی بزنند. دستفروشا با گریز و بازگشت مجدد به محل کسبشان مبارزه را ادامه میدهند.

کرج - در اواخر فروردین ماه سال ۶۳ کارکنان اداره بومی متوجه میشوند مبلغ ۲۰۰ هزار تومان بومی را که قرار بوده است بین کارکنان بعنوان پاداش پرداخت کنند بین اعضای انجمن اسلامی و مدیران تقسیم شده است و به هر یک بین ۲ الی ۱۰ هزار تومان پاداش تعلق گرفته این مسئله باعث اعتراض کارکنان میشود و از صبح در جلوی اداره کار جمع شده و از داخل شدن خودداری میکنند و تا ساعت ۱۰ این کار هم چنان تداوم دارد. اینکار تا ۲/۲ روز به طور متوالی ادامه دارد و گفته میشود ۸۷ نفر در این رابطه دستگیر میشوند.

بقیه خروش زحمتکشان

ساعت کاغذ فتوکپی به پایان میرسد. در این حرکت پاسدارانو مزدوران مسلح رژیم هم به دلیل غافلگیری شدن وهم بدلیل ابعاد و خلعت گسترده جنین مزبور و نتوانستند دست به سرکوب مردم بزنند. اما در روز جمعه بعد از نماز جمعه پاسدارانو مزدورتن حزب الهی در شهر دست به تظاهرات میزنند و ضمن محکوم کردن اعمال ضد انقلاب با ردیو گراما دستور را از زمینوا اعلام میکنند خروش زحمتکشان قزوین علیه رژیم گرسنگی و فلاکت بار دیگر مهترانید می گویند برای این مهم که جامعه ما در بحران انقلاب عمیقی دست و پا میزند و مقاومت توده ای ابعاد روبه گسترش پیدا میکند. بر ماست که با یاشیدن بدرهای آگاهی در میان زحمتکشان آنان را حول پرچم لایقه کارگر و نمایندگان راستینشان و کمونیستها گردآوریم و با کار بست اهرم سازمانگری جنین توده ای کمونی را از حالت خود بخودی بیرون آوریم و در مسیری هدایت کنیم که سرانجام آنها بودی. نظام اسارتیاری سرمایه داری و بهر روزی زحمتکشان میباید.

رژیم ایجا دکرده بود که در مدتی کوتاه از شهرهای دیگر حزب الله‌ها، خود را برای سرکوب به قزوین گسیل کرد تا جلوی گسترش مبارزه کار را زایل بگیرند در این روز حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران در تظاهرات شرکت داشتند و چند گری حوالی ساعت ۵/۵۰ بود و ساعت ۷ بعد از ظهر سرکوب گردید ما با بدر رسید که چه عوا ملی با عت گردید تا رژیم موفق شود ۱۰ در ابتدا با بدیه تشکل و سازمانها فتگی با زوی رژیم اناره نمود هر چند این اعتلا شروع دور جیدی بود که فقها را به عقب نشینی و امی داغت اما فقها خود میدا نستند که طرف مقابل هنوز قدرت با لایبندارد و در جبهه خوئیساهه کمینته معنا صرنها نهایی ضد انقلابی و بخشی ارتوده‌های متوهم را در کفه ترازو داشت و بجویبی نیز توانست از این نیروها استفاده کند و همین نیروها بودند که حرکت را در مدتی کوتاه به عقب نشینی و داغتند ۲۰ رژیم میدا نست که جبهه مقابل را زضع سا زمانه و تشکل و رهبری در رتج است پس میدا نست با حمله ای شکاف گسترده ایجا دخواهد نمود ۳۰ رژیم در جریان درگیری در مدتی کوتاه توانست نیروهای حزب الله را جمع آوری نماید و آنها را برای سرکوب گسیل کند به بلخا ا تارکاتی سناه برتری زیادی نسبت به کاران داشت به دلیل نبود که ساه چنین نقطه ای را برای ایجا دکارخا در نر نلسر گرفته و دست لانت با اینکار می خواست جلوی حرکت را قبل از اینکه داخل شهر و جلوی گری کند و درهما نجا سرکوب نماید سناه با ستن راه شهر صنعتی به قزوین هر عملی را زیر کنترل داشت در واقع رژیم به بلخا تشکل و سازمانها ز قدرت زیادی برخوردار بود از این تشکلات خود نیز توانست به نحو موثر استفاده کند

امسا صفتبهای کارگران :

۱- ضعف کمونیستها : کمونیستها در تمام دوره قبل از خرداد ۶۰ نتوانسته بودند بدینوسیله میبایست از نیمه دمکراسی موجود حلا کتتر استفاده را برای بردن آگاهی سوسیالیستی به مبارز طبقه کارگر میکردند و کارگران را در انواع تشکلهای منفی - سیاسی سازمان میدادند ، از این وظیفه حیاتی غفلت نموده و حلا کتتر لاشان در سازمان دهی کارگران هوا را رخویش و نیز بعضی حرکات

مبارزاتی خلاصه میشد ، با لطف در دسترا پس عدم بهبود نتایج ای بهتر از دنیا له روی و بسا انفعال نصیب کمونیستها نمیگفت و عملا نیز حرکات کارگران شهر صنعتی نجا را خود بخودی بود و تحت سازمانهای کمونیستها و نه تنها کمونیستها بلکه حتی ما پرا انقلابیون قرار نداشت ، لنین می گفت : " جنبش کارگری بدون سوسیال دمکراسی کم ما به ولاجرم بورژوا زده بود " و جنبش کارگران شهر صنعتی در شرایط جنائشی از جنبش کمونیستی سر نوبت بهتری نمیتوانست داشته باشد .

۲- کارگران ضمن اینکه بعدت ناراضی بودند و نان و آزادی میخواستند ، اما در مجموع تمویری روشن از رویدا نهایی موجود ندا غتند و خود نیز را در خود بخودی بودند تا تیرا تا این خود بخودی را در برآکنندگی و عدم ثبات حرکتها و نیز فقدان برنامها و مطالبات روشن میتوانستیم ببینیم " واقعیتی است که جنبش کارگری حتی در شرایط فقدان بهبود کمونیستها نیز میتوانستند تشکل با شدوتا حدی با برنامها مبارزه کند (هر چند ارجا خوب سرما به داری با لایر نبود ، کچنا نکه نظیرش را در خیلی از کشورهای سرما به داری و حتی دیکتا توری می بینیم ، ولیکن از این لحاظ نیز طبقه کارگر ما عقب مانده بود .

۳- کارگران منطقه بدلیل جوا بودن (سا بقسه کارگری) و پایداری عمیق ریشه‌های روستایی بسا لطیف در چنین مقاطعی تزلزل و آنا ریشم و بدنیان لاش معافله کاریکه رویزگیهای بیگانه گشته‌ها ان محسوب می‌شود ، بروز میدادند حرکت خردا نما بسا توجه به تعرض سناه و جعآنا ریشم حرکت را گسترش داده بودند و کارانها ترا بیگانه گشته خویش و نیز تبلیغات مجاهدین (کسرنگونها در خرد روز میدادند) آن سبرومتا نست لازم را از خود نشان نمیدهند .

۴- شعار در دوبرینی صدر مرگ برچما و بیستنا نشان میداد که با همه حرکات و انگیزه‌های انقلابی مبارزه اما ان هنوز در چا خوب رفتم بود (ترجیح ایوزیسون بورژوازی بر حکومت بورژوازی " جماع بیستان ") و هنوز با یدمسیر قابل توجهی آگاهی توده‌ها طسی می نمود .

اما چسه بایسد میکردیم ؟

۱- مسلما طبقه کارگر نمیتوانست در مقابل رویداد های عظیم جامعه در آن مقطع بی تفاوت بماند یعنی طبقه کارگر حتی اگر در با لایرین حلا گاهی در با لایر

شرایط تدا فضا کمیت در اسرع وقت قابل تحقق بود هر چند که ممکن بود، همین کمیته‌ها و هما هنگی نجا را از شکالات و اغتباها تی غودولیکن بهیوجه قابل مقایسه با حالت پرا کندی کا رگران نبود. با توجه به اینکه کمیت در مجموع حالت ندا نفسی داشت، طبقه کا رگر میتوا نست با طرح ممال لیا ت نوری امتیازات قابل توجهی را در حکومت واز سرما به داران بگیرد. امتیازاتی که حتی امروز نیز باقی میماند. (شماره تن) خواست حق تشکیل مستقل کارگری همچون شوراهای مستقل، سندیکا و... و افزایش دستمزده، حق تشکیل مجمع عمومی، انحلال انجمن اسلامی و درکنار اینها آوادی انتخابات آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیابانها ندیده در مجموع می توانست هم هویت مستقل کارگران را مشخص سازد و هم بیس حرکات آنها و سایر آنها را و طبقات هما هنگی ایجا دکنده، البته در آن مقطع شعارسرنگونی به شعارتوده‌ها و از جمله کارگران تبدیل شده بود. اما هر کارگر آگاهی میداند که طرح شعارسرنگونی هنوز به معنای اقدام سرنگونی نیست، یعنی جا معه گرجه سرنگونی را میخواست ولیکن راه قابل توجهی را با بدتای موقعیت انقلابی و قیام طومینموده ممال لیا ت با لازه را درکنسار تبلیغ سرنگونی هموار می نمود و جنبش کارگران را آگاه تر و متشکله تر میساخت.

ذکرا یین نکته نیز حائز اهمیت است که در شرایط تعرض جنبش و تدا فضا دشمن، طبقه کارگر نمیتواند متغییرتاییدخواستهای ارجان بجا کمیت بماند. طبقه کارگر درکنار ارج این خواسته‌ها و تلاش در جهت قانونی نمودنشان (که حائز اهمیت است) مبیایست عملاً به اندازه توان خویش شعاری را بیا ده می نمود. مثلاً انجمن اسلامی را منحل میکرد و مجمع عمومی را تشکیل میداد، و مبعاعت را اجرا میکرد سندیکا و شورای مستقل را پدید میآورد و... واضح است که بعد از شکست جنبش - تعرضی هما نظور که رسم تمام مرتجعین تاریخ است - کمیت فقها دستاوردها را باز می ستاند ولیکن اگر کارگران متذکر میبودند، ابعاد تعرض مسلماً در این حد نمیتوانست با عدو بی مقاومت مستحکمتری مواجه میگردد. ثانیاً کل حرکت امکان سازمانه میجدد را برای کارگران

ترین حدتذکر بود و نداشت به صرف اینکه مجاهدین از بنی صدر دفاع میکردند و یا اینکه مخالفتها با حکومت در زیر دفاع از بنی صدر پیش میرفت خود را کفایت میکنند طبقه کارگر مبیایست با تمام قدرت حرکت کند. اما سالیان آمده نفعی که بعضی "کمونیستها" نیز حمل میکردند هیچ بردی نیز در میان طبقه کارگر نداشت و هما نظور نمانده بودیم کارگران در تظاهرات شرکت می نمودند و حتی تظاهرات "مستقل" راه نداشتند.

۲- اما طبقه کارگر با لایرین جا نفعی را از اخرج دهد ولیکن با صف مستقل و با مطالبات مستقل خویش (درکنار مطالبات مشترک) و با برنام خویش به میدان نیاید. کار راست که نیروی غلبش به حساب طبقات و نیروهای دیگرواریز میشود.

۳- اما صف مستقل، تجزیه به برنام مستقل طبقاتی و مطالبات مشخص طبقاتی در یک بستری لولائی و در یک پروسه قابل حصول است و قبل از آن با بسط طبقه کارگر در میدانهای متعددی "غسل تعمید" باید بینا بر این مانعیتوا نستیم به صرف نبود اینها از حرکت در حرکت خودداری کنیم، بلکه خود حرکت بهترین میدان رهنطبقه بود.

۴- طبقه کارگر در همین جد خویش میتوانست برخورد فعالتری داشته باشد مثلاً در حرکت خرداد ماهه هر صنعتی تمام کارخانجات شرکت مینماید اما واضح بود که در حرکت یک نظم و رهبری واحد حکم فرما نیست کارگران هر کارخانه میتوانستند زمین خونمانند ده ایانتخاب کنند و در سطح منطقه کمیته هما هنگی

نمایندگان کارخانجات را سازمان میدادند. این نمایندگان که با رای مستقیم خود توده‌های کارگران انتخاب می شدند، در جا رچوب همان شرایط نمایندگان واقعی کارگران بودند و میتوانستند در مورد روش کارگران ناحیه نسبت به حوادث جا معه تصمیم گیری نمایند. نمایندگان (که قطعاً در میان شان عناصر کمونیست و انقلابی حوزومی یافتند) در اسرع وقت مبیایست مطالبات کارگران را تدابیر می نمودند و موضع خود را نسبت به حوادث روشن می کردند و همچنین تا کنیکهای کارگران اعم از اعتصاب و تظاهرات و غیره را تعیین می نمودند و سپس در مجامع عمومی هر کارخانه با تشکیل عالیتری در یک میتینگ عمومی آنها را به سمع کارگران می رساندند. اقدامات بلافاصله اجرا میبود که در

فراهم میساخت. بنابراین آگاهیمان بنحو گسترده ای بالا میرفت که قدامت برای چنین شرایطی که ما در آن بسر میبریم حاضر اهمیت فراوان بود.

۵- کارگران آگاه و کمونیستها ضمن آنکه بیک لحظه نباید سوراخ دعا را گم میکردند، سعی بایست بدون معطلی بنی صدر را اپنا مینمودند و آگاهی همکاران خویش را ارتقا میدادند البته این نیز میسر نمیشد مگر با شرکت فعال در حرکتها و جمعاعات کارگری.

- نتیجه سرکوب - هماناوار که میدانیم، حرکات خرداد ماه مسیر تعرضی و صعودی خویش را حفظ نمیکند. و با حملات دشمن بر سرتر نقاط ضعف جنبش انقلابی دچار شکست شده و حالت تدافعی مجدد بخود میگیرد. دشمن با جمع و جور کردن خویش حمله گسترده و همه جانبه ای را به حقوق توده ها و لسان درهای قیام بهمین، سازمانهای مترقی و کمونیست آغاز میکند. این سرکوب بعد از شکست و سرکوب کارگران شهر صنعتی در این منطقه بنا حدت هرچه بیشتر پیاده میگردد. همانطور که در بالا گفتیم در طی همین حرکت چندین نفر کشته و قریب به ۲۰۰ نفر دستگیر شده بودند که بعضی از آنها بعد ها به جوخه اعدام سپرده می شوند. نهادهای وابسته به حکومت همچون انجمن اسلامی به ترکانازی میپردازند و کل جامعه بخار شوك میشود. امت مرگباری بر منطقه سایه می افکند، اما این افت موقتی بود و بر بستر بحران انقلابی موجود، حرکتها و اعتراضات کم کم آغاز میشود. در دور گذشته خرد بورژوازی جدید میدان دار مقاومت و مبارزه بود و ایکن اینبار البته کارگر بدلیل ماهیت یا زساری اقتصادی و بدلیل عینیت طبقاتی خویش نقش عايش در تولید و راه اندازی جرخهای اقتصادی در اس مقامت قرار میگیرد. خسرده بورژوازی جدید بدلیل جایگاه ویژه اش در جامعه و بدلیل تاکنیکهای جدا از توده مجاهدین مقاومتی منطقی میگردد. کارگران ناحیه نیز پس از سکوت کوتاه مدت خویش مجدداً سرراست نموده و مانند در بستر خواسته های صنفی - اقتصادی خود لرزه براندا از زیر دامنش سرمایه میاندازد.

هم اکنون شا محركات بيشما رى از كارگران در زمينه مطالبات اقتصادی و حتی سیاسی هستیم. اندکال مبارزه کارگران متنوع بوده و از ضیوه های قانونی تا غیرقانونی را در بر میگیرد. ما گرچه حرکات گسترده ای در جریان است و زحمتکشان شهر و روستا به میدان آمده اند، اما ضعف های گذشته همچنان بقوت خود باقی است. کارگران همچنان از آگاهی طبقاتی خویش فاصله دارند. هنوز به انجا نرسیده ایم که بتوانیم طبقاتی خویش را مستقل کنیم و نتوانیم به مشکلاتی که رگری که بتواند قانونی و غیرقانونی بیکار عظیم کنونی را سازمان دهد وجودندارد. کارگران منطقه و نه تنها منطقه بلکه حتی کارگران يك کارخانه نیز در پراکنندگی به سر میبرند. تقریباً هیچ نمونه عملی پشتیباسی کارگران يك کارخانه از کارخانه دیگر نمی بینیم و اغلب حرکات در درون کارخانه تحت نیز درجا رچوب يك قسمت و یا يك عیفت همین میگردد. اینها نقاط ضعفهای جدی طبقه کارگران حبه است و در رفع این ضعفها بردوش کمونیستها و کارگران آگاه و سالیست سنگینی قرار دارد. کارگران آگاه از همان فردای سرکوب حرکت میبایست سریعاً مقاومت کارگران را سازمان میدادند. آنها میبایست با طرح شعار تشکیل صندوق مخفی حمایت از آخرا چون و کارگران زندانی و نیز زندیکان و تادیه های مخفی کارگری عقب نشینی جنبش کارگری را منجم مینمودند تا ضربات کمتری وارد نشود. از این و تلیفه مهم غفلت شده اما هنوز هم دیر نیست و با پندهم کارگران آگاه همه کمونیستها با گسترش پیوند خویش نهال آگاهی طبقاتی، سوسیالیستی و ضرورت همبستگی طبقه کارگر درجا رچوب مشکلاتی توده ایان صرف نظر از تالیات قوی مذهبی و سازمانی نیز اقدام عملی در جهت ایجاد این تشکلهای در هر جا که امکان پذیر است، نیروی بیکران کارگران را بطور منجم و متشکل در مقابل هجوم فاشیستها قرار دهند تا ریح ما کارگران بیخرو و کمونیستها را نخواهد بخشید. گریه این رسالت خودبی توجهی ما نیست.

کارگران مبارزان بی راستی مبارزات کنار گران خوانند. جامعه در مقطع ۳۰ خرداد ما امکان خواهد داد که نقاط ضعف و قوت خود را مشخص نموده و راه آینده را با استواری بیشتری طی نماییم. ما

بقیه اخبار مخرقه ...

بعنوان کارگرنمونه برای گرفتن جایزه انتخاب شده بودند، عبارت بودند از: دومهندس منفورز سدکارگر، معیانی رئیس انجمن اسلامی، پیرزاده رئیس بسیج کارخان که در عرض سال دست به سیاه و سفید هم نمی زدند علاوه بر اینها چندسربست متغور و بدنام نیز ازین نعمت جمهوری اسلامی بهره مند گشتند. این ترتیب معلوم شد که کارگرنمونه رژیم جمهوری اسلامی یعنی چه؟ پس از ماهها سردواندن و تدوین جدول طبقه بندی را به یک حرکت واگذار کردند که در مقابل ۳۵۰ هزار تومان اینکار را انجام داد. حرکت قول داده تا هشت ماه مطرح را در کارخان نه بیاهد کند.

بدینال پخش اعلامیه در چندین ماه قبیل در کمند کارگران مدیریت و انجمن یک برج مراقبت کسب عیب به اتاقت تلفن است و از سه طرف سوراخ دارد در ستف سالن رختکن نصب کردند. بعضی از مواقع با استفاده از این اتاقت نظریه خاطی را مستگیر میکنند ولی در طول این چندماه بارها اعلامیه با کارت تبریک در کمند کارگران پخش شده است.



قوه بسا رس - بعد از ۱۱ ر دیبیت روز جهانی کارگران اطلاعیه ای از طرف سیاه پهن صنعتی در کارخان منتشر می شود. در این اطلاعیه از کارگران خواسته بودند که جاسوسی کنند و هر کجا که حرکتی مشکوک مشاهده نمودند به سیاه پهن صنعتی و بسا شماره تلفن (بوسیله) اطلاع دهند. این اطلاعیه در کارخان کفش اسبورت و مولین موکت نیز دیده شده است.



درگیری انتخاباتی

اختلافات کاندیداها هم در این مرحله جای خود را داشت. اورومیان نمایندنده مراغه در رقابت بسا مرادی کاندید عجیب بود (مرادی داماد ملکوتی است) کار طرفداران دو طرف به زدو خورد کشید و چند نفر هم زخمی شدند. گویا در مرحله اول طرفداران اورومیان ۸۰۰۰ رای تقلبی بسا صندوق ریخته بودند که رنده بود.



کرج - مدت دو هفته است که از طرف داستانی کلیه محکومین دادگاههای کرج بدناستانی احضار و ضمن گرفتن عکس بلاکدار از آنها بار دیگر انگشت نگاری از محکومین گرفته میشود. عده ای می گفتند که این کار بدناستانی بسرای تکمیل پرونده ها و داختن عکسهای مظهر روشن و جدید از زندانیان است تا در موقع انحصار از آنها استفاده کنند.

کرج - راننده تاکسی می گفت: رفتیم بسه حوزه رای گیری به یک رهشو گفتم که بنسده سواد ندارم ورقه رای بگیر و بجای من بنویس آنوقت آن شخص از من پرسید حتی یک کلاس هم سواد نداری؟ گفتم خیر و او ورقه را گرفت من گفتم: بنویس. محسن کناورز دیدم که نوشت - سلطانانی و محقق گفتم برادر نوشتی کناورز گفت بله نوشتیم. بعد عصبانی دم داد را بستم به فخر و ورقه را جلوی باره کسر کرد و به زمین ریختم و از آنجا خارج دمدم.



الوند - از طرف بسیج به تمام خوارو بسا فروشیهایی که در توزیع کالاهای کوبنی نقش دارند گفته شده که همه آنها موافق به شرکت در بسیج هستند. در اولین نشست همگانی خوارو بسا فروشیها یک فرد بسیجی دوباره گران فروشی و عواقب آن در آخرت صحبت کرده و می گوید که هر روز صبح و عصر امام زمان داخل مغازه آنها شده و دوران جنم صاحب مغازه تمامی امور خرید و فروش آنها را نالارت میکند و بدین ترتیب او از توزیع کنندگان می خواهد گران فروشی را کنار بگذارند.



داندگا* علم و صنعت تهران - دفتر تحکیم وحدت در دور اول انتخابات یکسری کاندید جهت مجلس معرفی میکند گویا زیر اعلامیه نوشته شده است دفتر تحکیم وحدت، انجمنهای اسلامی داندگاها. موقتی این اعلامیه را در داندگاها علم و صنعت جیبانده میشود و بلافاصله انجمن اسلامی این داندگاها اعلامیه ای در کنار آن نصب میکند که در آن گفته شده است که این کاندیداها مورد تأیید ما نیست و دفتر تحکیم وحدت خود

شعر

با ننگ سحر آید بگوش مردم بهوش مردم بهوش
 با هرنگاه میبین بین در بند با سدار سود
 با پنجه‌های مرگبار هر چرخستان او کشتار فرزندان ما
 هر بندگانه نونهای او بر باد ده
 هر حاصل و محصول ما هر زحمت و دسترنج ما
 با ننگ سحر آید بگوش مردم بهوش مردم بهوش
 بر خیز بیا ای خلق ما
 در پیش رو فردای ما

تنهاره امروز ما جنگ و ستیز با دشمنان
 این خاکمان لایم زور
 این خمیان سود و پول
 تدبیر سرخ دیگری
 باید بیا با بدبیا
 از یک تبار از یک تبار
 آنهم تبار رنج و کار
 یعنی تبار کارگر در تاجا دبر زگر
 همچون قیام بهمنی
 آید بیا کار آید بیا کار

"آرش"

سرانه اقدام به تعیین و معرفی کارکنان جدید کرده است بعد از یکروز اعلامیه‌ای از طرف دفتر تحکیم وحدت صادر می‌شود و آنرا در کنار اعلامیه ای قبلی نصب می‌کند مبنی بر اینکه انجمن اسلامی این دانشگاهها صف شکنی می‌کند و در کار و هدف دفتر تحکیم وارد می‌کند و بعد از انجمن اسلامی اعلامیه دیگری نصب می‌کند و بسا محکوم کردن اقدامات دفتر تحکیم بر روی کاغذ پنداره‌ای خود که از جمله آنها توکل نیز بود یا افشاری می‌کند لازم به تذکر است که بعد از انتشار این اعلامیه دفتر تحکیم انجمن اسلامی این دانشگاهها در اولین اعلامیه خود نسبت به مسئله اعتراض و کارکنان خود را معرفی می‌کند و یک حزب الهی در موقع دیدن این اعلامیه‌ها در کنار هم به یک حزب الهی دیگر گفت خوبست که منافقین را از دانشگاه بیرون کرده ایم وگرنه اگر چنین چیزهایی را می‌دیدند برایش ما می‌خندیدند.

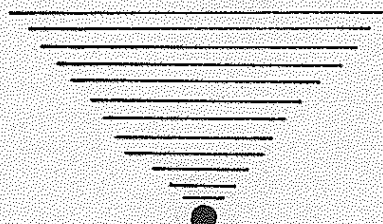


تبریز - اداره راه و ترابری این استان بدلیل مواجه بودن با یکسری بودجه جنس صد میلیون تومانیه حدود ۲۰۰۰ تن از کارگران - موقت خود را اخراج نموده است



بقیه ۲۰ خرداد ۰۰۰

دریا لایبور فشرده در کمان را از این نقاط ضعف بررسی نمودیم بر هر کارگر بیشتر است که با تشکیل جلسات کارگری با حضور در محفلهای خانوادگی کارگری در سالگرد این روز عظیم حرکت فوق را مورد بررسی قرار دهد و درسیهای آن را با جدیست هر چه تمامتر به میان سایر همکاران خود ببرد آینه‌ها از آن ماست.



بقیه اخبار مبارزات کارگران ...

لوازم خانگی پارس - در این کارخانه بدلیل بائین بودن حق افزایش تولید کارگران نسا - رضایتی خود را به شکل اعتراضات برآکنده و همچنین بیضبرد مذاکره فردی با مدیر نسا نشان دادند. به طوریکه روز طرف صنایع ملی نیز نما پندهای برای رسیدگی به این مسئله به کارخانه فرستاده شد. همچنین در این کارخانه ارج لیقه بندی مشاغل که سال گذشته ۶ ملی مجمع عمومی نماینده کارگران انتخاب و قرار شد این ارج از سال ۶۲ به مورد اجرا گذاشته شود ولی تاکنون به این مسئله رسیده‌گی نشده است. در همین زمینه از جانب عده‌ای از کارگران اوماری مین بر انتخاب مجدد نمایندگان برای اجرای لرح جمع آوری شد که مورد استقبال کارگران قرار گرفت.



اری پلاست - مدیریت کارخانه برای سال ۶۳ تولید ملی - اطلاعیه‌ای از کارگران می‌خواهد که در روز تعطیلی شان پنجمین ۲۷/۱۰ - بسرکسار حاضر باشند. اما کارگران بدون توجه بسبب اطلاعیه فوق روز پنجشنبه را تعطیل مینمایند.

مدیریت بخاطر تن ندادن کارگران به اضافه کاری اجباری آنها را یکروز حریمه میکند. روز غنیه هنگامی که کارگران با این مسئله مواجه میشوند دستجمعی به دفتر مدیریت رفته و نسبت به خوسری مدیریت اعتراض میکنند و مدیریت نیز در مقابل اعتراض یکبارجه کارگران عقب نشینی نموده و تنبیه خود را بس میگیرد. و بدین ترتیب کارگران مبارز شیفت غیراری پلاست به خاطر این اقدام خود مفت محکمی بردهان مدیریت کارخانه زدند.



قوه پارس - اخراج یکی از حربه های رژیم برای منحرف کردن مبارزات کارگران و مقابله با حرکتیهای اعتراض آنها تحت پوششهای مختلف مانند کمکاری، ما زاده، ضد انقلاب، اخلاک‌گرو ... است و آنها حق مسلم خود میداند. در همین رابطه در کارخانه قوه پارس مسئولین اساسی عده‌ای از کارگران را در لیست سیاه اخراج - قرار داده که در این ماه ۶ نفر از کارگران دختر را بدلیل واهی اخراج نمودند. امسا کارگران مزبور ساکت ننشسته و به اداره کار شکایت نمودند که دوفتر از آنها بیگنسا - شناخته شد و بسر کار برگشتند در مورد بقیه قرار است در تاریخ ۸/۳/۶۳ هیئت حل اختلافی متشکل از ۹ نفر در کارخانه تشکیل گردد. جو کارخانه بسیار اختلاف آمیز است و مسئولین توسط عاملان دست به کنترل تلفنها می زنند (هیئت اختلاف شامل ۴ نفر اخراجی، ۲ نفر از اعضای اداره کار، و عباسی رئیس انجمن اسلامی و ۲ نفر دیگر می باشد.



پورسا - رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برای بالا بردن سطح تولید تاکنون متوسل بسه ترفند های مختلف شده است و برای بیش برود چنین سیاستی یکبار کارگران را به اتافه کاری اجباری و یا ساعت کار را به ۱۲ ساعت در روز - افزایش میدهد و یا کارگران را یکبار کنتراتی و امینارد. با وجود این کارگران همچنان با کم کاری خود در مقابل سیاستهای رژیم و سرمایه - داران میایستند. رژیم با انتخاب کارگر نمونه سعی دارد از این طریق کارگران را تفویق بسه افزایش تولید نماید. در این کارخانه نیز سه ماهین در اختیار مدیریت قرار داده شده که در صورت انتخاب کارگران نمونه اتومبیل رادر - اختیار آن بگذارند. اما کارگران به سیاست تفرقه افکنانه رژیم پی برده و مدیریت را تهدید نمودند که در صورت دادن اتومبیل بطور یکبارجه در مقابل او قرار خواهند گرفت. مقاومت از - جانبه کارگران ادامه دارد.



کمه‌های دریافتی

کد	مبلغ	نام
۵۰	۳۰	الف
۱۲۱	۱۳۰۰	م
—	۹۵۰	وحد - الف
۵۳۹	۳۰۰	ع
۵۳۸	۵۰	ع
۵۳۷	۲۰۰	ف
۳۳۳	۳۵۰	ح
۱۰۰	۵۰۰	ب
۸۸۸	۳۰۰۰	م
۳۳۴	۲۰۰	ب
۳۳۵	۲۰	ب
۳۳۶	۱۵۰	ب
۳۳۷	۵۰	ب
—	۵۰	خواهرا نقلابی
—	۵۰۰	خواهرا نقلابی کارگر
—	۵۰	خواهرا نقلابی
—	۲۰	خواهرا رجینیش
—	—	رفقای ب-س
—	—	خدیه تان رسید

کارگران و زحمتکشان انقلابی!

با تحریم خدمت سربازی،

نرفتن به جبهه‌ها،

و عدم کمک مالی به آن،

در مقابل جنک طلبی رژیم فقها مقاومت کنید!

کمه‌های مالی و وجوه خیرات را بسته
حساب پیرا ریز کرده و رسید بانکی
آن را بعد از تریق در فرانس ارسال
کنید

HESSAM - Hassan
SOCIETE GENERAL 30003
AGENCE 01303
N° COMPT 0050121493
(FRANCE)

آدرس در خارج از کشور:

آلمان
postfach 650226
1. BERLIN 65
W. GERMANY

پستار منتیر از سازمان کارگران انقلابی
ایران (راه کارترا)
قمیه خیانت از کشور